

ارزیابی تحلیلی وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر؛ به سوی الگوی اسلامی ایرانی سبک زندگی مه‌دی حسین زاده فرمی^۱

چکیده:

در دیدگاه‌های متقدم علوم اجتماعی، کردارها و سبک‌های رفتاری زندگی، براساس پایگاه اقتصادی و در دیدگاه‌های متأخر، بر محوریت فردیت و انتخاب‌های فرد ارزیابی می‌شود؛ یعنی، مؤلفه‌های مختلف اعم از نظام طبقاتی و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی، نگرش‌های دینی، خانواده، انتخاب‌های فردی و ...، همگی در شیوه‌برساختن سبک زندگی افراد مؤثراند. مقاله حاضر، با هدف ارزیابی تحلیلی وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر و مقایسه آن با الگوی اسلامی ایرانی سبک زندگی نگارش یافته است. در ابتدا، تعریف مفهومی، شاخص‌ها و الگوها و چارچوب مفهومی نظری سبک زندگی واکاوی شد. در ادامه، خلاصه‌ای از یافته‌ها و نتایج طرح‌ها و مقالات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر، به وسیله روش «تحلیل ثانویه» آمده است. سپس با استخراج شاخص‌ها و الگوهای اسلامی ایرانی سبک زندگی، تحلیل مقایسه‌ای انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که، سبک زندگی در ایران، بر اساس الگوی سبک زندگی غربی نیست؛ چون، علی‌رغم اینکه، در پوشش‌ها و مدها تشابه به سبک زندگی غربی می‌شود، اما در الگوهای خرید و مصرف، شکل و الگوی متفاوتی را نشان می‌دهد. هرچند در بخشی از این سبک‌گزینی‌ها، نوعی دور شدن از هنجارها و باورهای گذشته جامعه دیده می‌شود. بنابراین، با اهتمام به الگوی اسلامی و ایرانی سبک زندگی، وضعیت سبک زندگی در کشور، با انتظارات دینی و هنجاری جامعه ایران زاویه دارد و تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌های احصاء شده در دو ساحت، این واقعیت را تایید می‌نماید.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، تحلیل ثانویه، الگوها و شاخص‌های سبک زندگی، الگوی اسلامی - ایرانی سبک زندگی

مقدمه و بیان مسأله

زمانی مؤلفه‌های مادی و اقتصادی زندگی ملاک رتبه‌بندی و تمایز اشخاص، گروه‌ها و طبقات اجتماعی از یکدیگر بود. بنابراین، مهمترین مفهوم مؤید منزلت اقتصادی افراد، «طبقه اجتماعی» آنها بوده است. امروزه این معیارها به تغییر گرائیده و رفتارها بر پایه متغیرهای فرهنگی‌تر و نمادین‌تر ارزیابی و تحلیل می‌شوند. در دیدگاه‌های قدیمی علوم اجتماعی، کردارها و سبک‌های رفتاری زندگی بر اساس «پایگاه اقتصادی» و در دیدگاه‌های جدید بر محوریت «فردیت و انتخابهای او» ارزیابی می‌شود. با یک جمع بندی سریع می‌توان گفت که امروزه این نتیجه مورد اجماع قرار گرفته است که مؤلفه‌های مختلف اعم از نظام طبقاتی و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی، نگرش‌های دینی، خانواده، انتخابهای فردی و ...، همگی در شیوه برساختن «سبک زندگی» افراد مؤثرند. این پرسش که «سبک زندگی» ما تحت تأثیر چه عواملی است؟، یکی از مهمترین پرسش‌های جامعه امروز ماست. پرسش بعدی هم که در همین رابطه مطرح می‌شود این است که تا چه حد می‌توانیم این سبک زندگی را تغییر دهیم؟، آیا اصولاً دست ما برای تغییر باز است؟ و اگر بتوان تغییری داد، این کار از عهده چه نهادی برمی‌آید؟ و آیا دولت‌ها قادرند که عهده دار چنین برنامه‌ی شوند یا گروه‌های دیگر باید وارد این برنامه شوند؟

ویژگی‌های سبک زندگی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخشی از آنها ناشی از تغییرات محیط اقتصادی و اجتماعی هستند. برای مثال، آپارتمان نشینی یک ویژگی مهم از سبک زندگی امروزی ماست. این سبک در حال ورود حتی به درون روستاها هم هست. ولی آپارتمان نشینی، سبکی نیست که بتوان آن را تغییر داد و به جایش در خانه‌های ویلایی زندگی کرد. رشد زندگی در این سبک اجباری است. زیرا با افزایش جمعیت و کمبود فضا و غیرممکن بودن ارائه خدمات (آب، راه، برق، جاده، مدرسه و ...) در سرزمین‌های وسیع، چاره‌ی جز آپارتمان نشینی وجود ندارد و قابل تغییر عمده نیست. بخش دیگری از سبک زندگی نیز اجباری نیست و اختیاری می‌باشد. مثل مدهای لباس یا تزئینات منزل و امثال آنها که می‌توان آن را تغییر داد. بنابراین، وظیفه ما در این است که بدانیم هر یک از عناصر سبک زندگی تا چه حد الزامی و تا چه حد اختیاری است. برای نمونه، سبک زندگی نشستن بر مبل و صندلی در ایران سابقه نداشته است، ولی اکنون در روستاها هم چنین سبکی را می‌بینیم، چه رسد به شهرها. به ظاهر این سبک اختیاری است ولی واقعیت این

نیست. زیرا زندگی مدرن شهری و تغییر وضعیت مشاغل و آسیب پذیری های ستون فقرات و امثال آنها، موجب شده که گرایش به نشستن بر صندلی و مبل به یک الزام بدل شود، هر چند وجوه دیگری هم در این سبک زندگی وجود دارد.

جامعه ایرانی، یک جامعه در حال توسعه است. و به اقتضای در حال توسعه بودن، به نوعی از ساختارها و پیوندهای گذشته خود متفاوت شده و قرار و سکون خود را در ساختارها و پیوندهای جدید جستجو می نماید. بالطبع این جداگستگی، در نحوه زندگی و رفتار افراد این جامعه اثر گذاشته و تغییرات بنیادینی در سبک و نوع زندگی آنها خواهد داشت. بنابراین، فهم درست و عمیق این تغییرات و آسیب شناسی سبک و فرهنگ زندگی کنونی جامعه ایرانی، یک ضرورت اجتناب ناپذیر می نماید. چنین ضرورتی، علاوه بر دغدغه مقامات عالیله نظام، چندسالی است که در بین محققان و اندیشمندان ورود داشته و کارهای تحقیقاتی خوبی انجام گرفته است. با واکاوی و ارزیابی تحلیلی تحقیقات یک دهه اخیر سبک زندگی در کشور، وضعیت و تحولات سبک زندگی جستجو می شود. به عبارت دیگر، در حال حاضر، آنچه که در کوچه و خیابان، منزل و اداره می بینیم، گرایش زیاد به سبک گزینی و متفاوت شدن رفتارها، پوشش ها، گویش ها و ... شده است. در بخشی از این سبک گزینی ها، نوعی دور شدن از هنجارها و باورهاى گذشته جامعه دیده می شود. این مقاله با اهتمام به موضوع شیوه زندگی اسلامی و ایرانی، وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر و شکاف آن با انتظارات دینی و هنجاری جامعه ایران را مورد واکاوی قرار دهد.

تعریف مفهومی سبک زندگی

مفهوم «سبک» در زبان فارسی در برابر لفظ «استایل» انگلیسی قرار دارد. اگر واژه «زندگی» را به واژه سبک بیفزاییم، هم معنا و هم حوزه مطالعاتی آن تغییر می کند و اصطلاحی خلق می شود که امروزه در رشته های علوم رفتاری، علوم اقتصادی و علوم اجتماعی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرند؛ «با توجه به تعاریف موجود از سبک زندگی، می توانیم دو دسته تعریف را در این خصوص از هم تفکیک کنیم؛ دسته اول، تعاریفی هستند که سبک زندگی را از جنس رفتار می دانند و نگرش ها و باورها را در آن دخیل نمی دانند. این رویکرد، رویکرد جامعه شناسان است. دسته دوم تعاریف، آنهایی هستند که

ارزش‌ها و نگرش‌ها را بخش مهمی از سبک زندگی می‌دانند که وجوه روان‌شناسانه این تعاریف غالب است». (فاضلی، 1382: 82) بنابراین، «سبک زندگی عبارت است از طیف رفتاری که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ایی از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست. اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه تمایز قائل می‌شود». (همان)

در برخی تعاریف دیگر سبک زندگی نیز، سبک زندگی در ارتباط نزدیک با مقوله «مصرف» تعریف می‌شود؛ مثلاً در تعریف «بورديو» از سبک زندگی چنین خصیصه‌ای دیده می‌شود. (بورديو، 1984: 66) هر چند نخستین بار «لیزر» در سال 1983 سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا (مصرف) تعریف می‌کرد. به نظر وی «... سبک زندگی دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی است ... شیوه‌ای که بدان طریق مصرف‌کننده خرید می‌کند و شیوه‌ای که بدان طریق کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است». (لیزر، 1983: 55)

بنابراین، اگرچه جامعه‌شناسان کلاسیکی چون «زیمل» و «وبر»، ابعادی از مفهوم سبک زندگی را مورد توجه قرار داده‌اند، با این حال هیچگاه مستقلاً و مستقیماً آن را مورد استفاده قرار نداده بودند. تداول استفاده از این مفهوم به سال‌های دهه 80 قرن بیستم برمی‌گردد. (ریمر، 1995: 112) «ریمر» چهار دلیل عمده زیر را در تجدید حیات این مفهوم شناسایی می‌کند؛ 1) فرآیندهای «فردی شدن» که آزادی و حق انتخاب بیشتری را به خصوص برای جوانان در شرایط به سرعت رو به تغییر جهان داشته‌اند، 2) رشد طبقه متوسط جدیدی که جهت‌گیری آنها آشکارا به سوی سرگرمی و مصرف است و عمدتاً جوانان شهری دارای مهارت‌های حرفه‌ای را دربرمی‌گیرد، 3) افزایش روزافزون مباحثات آکادمیک در خصوص «پست مدرنیسم» که در آن، ظهور ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جدید، نقش کلیدی را ایفا می‌کنند و 4) سهم مؤثر آثار «بورديو» در موضوع سبک‌های زندگی و به خصوص کتاب او در موضوع «تمایز». (ریمر، 1995: 113)

خاستگاه و ادبیات نظری و مفهومی سبک زندگی

«سبک زندگی» روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می سازد. سبک زندگی اساساً به معانی نمادین محصولات توجه دارد؛ یعنی آنچه در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است. سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان های موجود است. این رویکرد راهی است که به درک مدرن بودن سبک های زندگی و تقابل آنها با شکل بندی های پیشین می انجامد و این معانی نمادین اموری توافقی هستند که پیوسته در حال از نو ابداع شدن هستند. (گیدنز، 1382: 120) بنابراین، در پایان قرن بیستم، علاقه به فرهنگ و مباحث فرهنگی افزایش یافته است. این در حالی است که تلاش می شود برای برخی مفاهیم قبلی مهم در عرصه نظریه پردازی جامعه مدرن مانند «طبقه»، «ماتریالیسم»، «ثروت»، «تولید»، مفاهیم فرهنگی تر جایگزین شود. به همین خاطر در استناد به صاحب نظران کلاسیکی مانند «مارکس» و «وبر» نیز جوانب فرهنگی اندیشه های ایشان برجسته می شود.

بنابراین، دو مفهوم مهم در ادبیات اجتماعی اخیر یعنی «فرهنگ و مصرف»، در برابر «اقتصاد و تولید» نشسته اند. در ادبیات اجتماعی گاهی تلفیقی از دو مفهوم فرهنگ و مصرف را با نام های «مصرف فرهنگی» یا «فرهنگ مصرفی» مشاهده می کنیم. موضوع سبک زندگی را به خوبی در این ادبیات می توان جستجو کرد. به همین دلیل موضوع از مبحث «مصرف» آغاز می شود؛ موضوع مصرف فرهنگی به شکل بارز و عینی از کارهای «تورشتاین و بلن» آغاز می شود. در نگاه وبلن، مصرف به معنای نوعی ارتباط و خلق معناست. او مدعی است، ثروت مهمترین مبنای افتخار، شهرت و منزلت در جامعه آمریکا شده است. مسأله اینجاست که نفس دارا بودن ثروت برای احراز منزلت و شهرت کافی نیست. ثروت به گونه ای باید به نمایش درآید. چنین نمایشی با نوع خاصی از فراغت، یعنی «فراغت تظاهری» ممکن می شد. به این معنا که افراد طبقه متوسط از طریق اشتغال به کارهای فانتزی و غیرمولد، خود را از طبقات پایین تر جدا می کردند. اشتغال به کارهای غیردرآمدزا نشانه منزلت و اعتبار افراد بود. وی اشاره می کند که در اجتماعات کوچک فرد از طریق فراغت تظاهری ثروت خود را به نمایش می گذاشت. اما در جوامع شهری، پدیده

گمنامی و ناشناسی مانع از این شد که فراغت تظاهری کارکرد سابق خود را داشته باشد. در اینجا «مصرف تظاهری» جایگزین فراغت تظاهری می شود. طبقه متوسط تلاش می کند ثروت خود را نه نتیجه کار و کوشش بلکه امری طبیعی نشان دهد. گویا از ابتدا او فردی ثروتمند بوده است. در واقع مصرف تظاهری همین پیام را می خواهد انتقال دهد. ویلن اعتقاد داشت که طبقه مرفه از این طریق با دستیابی به اقتداری اجتماعی و هنجاری تبدیل به الگویی برای جامعه می شود. الگوی ویلن از مصرف فرهنگی بر نوعی هم چشمی و رقابت مبتنی است. (ویلن، 1383: 221)

«پیر بوردیو» مصرف را مقوله ای مؤثر (تمایز آفرین، سبک ساز و طبقه ساز) می خواند. او معتقد است که مصرف به ایجاد تمایز اجتماعی می انجامد. الگوهای خاص مصرف فرهنگی به هدف ایجاد و حفظ تمایزات اجتماعی به کار می رود. بوردیو نشان می دهد که مصرف، زندگی روزمره و سبک زندگی، عرصه ای معنادار از تنازعات بین گروه های اجتماعی یا طبقات است. به نظر او طبقه مسلط، از فرهنگ برای بازتولید سلطه استفاده می کند. البته بوردیو به دنبال این نیست که نشان دهد طبقات مختلف، سبک زندگی و ذائقه های متفاوتی دارند، بلکه هدف او این است که فرآیندهایی که به واسطه آن ساختن تمایزات فرهنگی موجب تضمین و مشروع سازی اشکال قدرت و سلطه می شود را به پرسش کشد. اشکالی که خود نهایتاً در نابرابری اقتصادی ریشه دارد. (جنکینز، 1992: 129) بوردیو معتقد است، سبک زندگی از ذائقه متأثر است و ذائقه پیامد منش (عادت) و منش نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. منش نیز مولد دو نوع سبک زندگی است؛ یکی نظامی از رویه های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه و دیگری نظامی از رویه های ایجاد کننده اعمال قابل طبقه بندی که تعامل این دو نظام سبک زندگی را ایجاد می کند. بنابراین بوردیو، صرفاً به توصیف تفاوت ها علاقه مند نیست، بلکه می خواهد نشان دهد که این تفاوت ها چگونه به عنوان سلاحی برای بازتولید اجتماعی و تثبیت موقعیت فرادستان استفاده می شود. او مصرف و سپس سبک زندگی را چیزی بیش از عمل منفعلانه یا پاسخی واکنشی به ایدئولوژی سرمایه داری می داند. مصرف و سبک زندگی شیوه ای از ارتباط است، اما همانطور که او گفته است این ارتباط و معنا سازی عملی خنثی نیست، بلکه همزمان می تواند تثبیت کننده موقعیت فرادستان باشد. بنابراین، بوردیو در کتاب «تمایز» به نقد دیدگاه طبقاتی با محوریت اقتصاد پرداخته است. او جامعه معاصر

را جامعه متمایز بر اساس وجود انواع سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می داند. بدین لحاظ جامعه مورد نظر بوردیو هم پیچیده تر و هم توسعه یافته تر از جامعه ای است که «مارکس» و «ویر» از آن سخن گفته اند. او رمز بقاء و توسعه جامعه جدید را بر تمایزهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می داند تا صرفاً تمایزهای اقتصادی. بوردیو برای بیان این معنی از نظام مفهومی جدیدی از جمله؛ ذائقه، میدان، انواع سرمایه و به طور خاص سرمایه فرهنگی و سبک زندگی استفاده کرده است. (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

بنابراین، اگر به نظریه های فوق توجه شود، همگی متفق القول از پیدایش جامعه ایی صحبت می کنند که در آن افراد قدرت انتخاب و بازاندیشی در زندگی خود را پیدا کرده اند. این انتخاب در حوزه زندگی مادی به دامنه فعالیت های فراغتی و فراتر از مشاغل و مهمتر از آن مصرف فرهنگی نیز کشانده شده است. در این فضا بی گمان فرهنگ و جامعه به مجموعه ای از سبک های زندگی تقلیل پیدا می کند. به همین دلیل امروزه این سبک های تغذیه، پوشش، ورزش و رفتار هستند که منزلت و مهمتر از آن هویت فرد را بازنما می کنند. یعنی در پس رابطه های ایجاد شده میان اقتصاد و فرهنگ و اجتماع که دیدگاه های فوق از آن بحث می کنند، نوعی از اندیشه های نمادین، سبک های رفتار، تولیدات جدید و اشکال مصرف به وجود می آید که فرهنگ قابل تقلیل به آن است. به بیان دیگر، فرهنگ با سبکها و الگوهای رفتاری و به بیان بهتر «سبکی شدن زندگی» تعریف می شود.

خوانش ایرانی مطالعات مفهومی - نظری سبک زندگی

پنج اثر مفهومی - نظری که شامل مقالات و کتبی است که برای غنا و فهم بیشتر مفهوم سبک زندگی و قرائت ایرانی از آن، از مؤلفین ایرانی آورده شده اند. این آثار نظری، در ارتباط با یافته های تجربی می باشند؛

جدول شماره ۱: مطالعات مفهومی - نظری وضعیت سبک زندگی در ایران

مقالات/ کتب	ابعاد نظری و مفهومی سبک زندگی
مقاله «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» (مهدوی کنی، ۱۳۸۶)	نویسنده مقاله، با ارائه تبیینی واژه شناسانه از مفهوم سبک زندگی، به بررسی ابعاد مفهومی آن در حوزه علوم اجتماعی پرداخته است. نتیجه اینکه، مفهوم «سبک زندگی» با مفاهیم دیگری چون «ذائقه» و «سلیقه» در علوم اجتماعی، ارتباط و پیوند وثیقی دارد.
مقاله «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی» (ابادری و چاوشیان، ۱۳۸۶)	این مقاله در صدد تحلیل چگونگی تغییر شالوده اجتماعی هویت در جوامع امروزی است. علی رغم اینکه، مفهوم «طبقه اجتماعی» اصل بنیادین تبیین های اجتماعی در سنت تفکر جامعه شناختی بوده است، اما جهت گیری نظریه های اجتماعی اخیر به سمت پذیرش اهمیت فزاینده حوزه «مصرف» و فعالیت های «سبک زندگی» در شکل دادن به هویت شخصی و اجتماعی است.
مقاله «الگوهای سبک زندگی در ایران» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶)	سبک زندگی در موقعیت مدرن (شهری) با محوریت «طبقه متوسط، زنان، جوانان و مصرف» محقق شده است. وجود سبک زندگی جامعه ایرانی دارای الگویی خاص می باشد. یعنی، «تکثر، محوریت مصرف، طبقه متوسط، خانواده، دین، انسان مدرن و جامعه شهری» صفات و ویژگی های این سبک زندگی هستند. نتیجه اینکه، می توان از «سبک زندگی ایرانیان» با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی ایران یاد کرد.

مقالات / کتب	ابعاد نظری و مفهومی سبک زندگی
<p>کتاب «مصرف و سبک زندگی» (فاضلی، 1385)</p>	<p>این کتاب، حاوی مطالب و مباحث نظری و مفهومی پیرامون سبک زندگی و شاخص‌ها و الگوهای آن می باشد. در این کتاب، به شاخص «مصرف» توجه ویژه شده و کلیت مباحث نظری آن، در مطالعات پیمایشی و تجربی فراوانی کاربرد داشته است.</p>
<p>مقاله «خرده فرهنگ‌های اقلیتی و سبک زندگی؛ روندها و چشم اندازه‌ها» (فکوهی، 1386)</p>	<p>پرسش اساسی این مقاله، چگونگی همساز کردن رفتارها و سبک‌های زندگی در چارچوب‌های کلان است. در این مقاله، در عین حال که سعی شده است تا نقاط گسست در جامعه ایران کنونی نشان داده شود، این نکته هم فراموش نشده که بتوان بر اساس هر یک از این گسست‌ها، راه حل‌هایی کاربردی ارائه کرد. نتیجه اینکه، انواع هویت خواهیم داشت؛ (1) هویت‌های جنسی، (2) هویت‌های سنی، (3) هویت‌های محلی _ قومی، (4) هویت‌های اقشار اجتماعی، (5) هویت‌های دینی، (6) تلفیق هویت‌های جماعت گرایانه در سطح سبک زندگی و (7) رویکردهای فضایی _ کارکردی.</p>

روش مطالعه

این مطالعه، اکتشاف، توصیف، تبیین و در نهایت «تحلیلی ثانویه» از مقالات، تحقیقات و آمارهای موجود است. از این رو عنوان روش رایج مطالعه «اسنادی - کتابخانه ای» برای آن از اهمیت کار تبیینی‌اش نمی‌کاهد. به بیانی بهتر، روش این مطالعه، روش «تحلیل ثانویه» یا «فرا تحلیل» از تحقیقات موجود در مورد سبک زندگی در میان گروه‌های مختلف افراد جامعه است. دوره زمانی این گزارش، ده سال گذشته یا دهه اخیر می باشد. یعنی،

اطلاعات و یافته‌های مورد استفاده در این مقاله، از مقالات، کتب و طرح‌های پژوهشی استخراج شده‌اند که در دهه اخیر، در سطح ملی یا منطقه‌ای ایران، پیرامون شاخص‌های مختلف سبک زندگی در میان اقشار مختلف جامعه انجام گرفته و به نگارش درآمده‌اند.

اسناد بالادستی سبک زندگی

در ادامه به اسناد بالا دستی (بیانات رهبری و سندهای فرهنگی) پیرامون سبک زندگی توجه می‌شود. یعنی، سبک زندگی مطلوب در اهداف و برنامه‌ها چگونه ترسیم شده است. با مقایسه و ارزیابی نتایج داده‌ها و اطلاعات پژوهش‌ها پیرامون سبک زندگی در دهه اخیر کشور با سبک زندگی مطلوب، آسیب‌شناسی وضعیت تحولات سبک زندگی در دهه اخیر کشور را خواهیم داشت و در نهایت راه‌کارهایی برای کم کردن شکاف بین سبک زندگی مطلوب و موجود پیشنهاد می‌شود.

رهبری و سبک و فرهنگ زندگی

رهبر معظم انقلاب، سبک زندگی را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به این مفهوم مهم، بر آسیب‌شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره‌جویی در این زمینه تأکید کردند. (خامنه‌ای، 1391)

رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم «سبک و فرهنگ اسلامی»، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار در رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف اشاره کردند. ایشان با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی افزودند که در معارف اسلامی، اصطلاح «عقل معاش» در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم «سبک و فرهنگ زندگی» است و در «قرآن کریم» نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد. رهبر انقلاب، آسیب‌شناسی و علت‌یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: «در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جستجوی راه‌های علاج بپردازیم.» (همان)

رهبری با نو بودن بحث سبک زندگی در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، سخنان خود را با نوعی آسیب شناسی ادامه دادند و به طرح سئوالات متعدّد پرداختند: «چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟، چرا در روابط اجتماعی، حقوق متقابل رعایت نمی شود؟، چرا در برخی مناطق، طلاق زیاد شده است؟، چرا در فرهنگ رانندگی انضباط لازم رعایت نمی شود؟، الزامات آپارتمان نشینی چیست؟ و آیا رعایت می شود؟، الگوی تفریح سالم کدام است؟، آیا در معاشرت های روزانه، همیشه به هم راست می گوئیم؟، دروغ چقدر در جامعه رواج دارد؟، علّت برخی پرخاشگری ها و نابرابری ها در روابط اجتماعی چیست؟، طراحی لباس ها و معماری شهرها چقدر منطقی و عقلانی است؟، آیا حقوق افراد در رسانه ها و در اینترنت رعایت می شود؟، علّت بروز بیماری خطرناک قانون گریزی در برخی افراد و بعضی بخش ها چیست؟، چقدر وجدان کاری و انضباط اجتماعی داریم؟، توجه به کیفیت در تولیدات داخلی چقدر است؟، چرا برخی حرف ها و ایده های خوب در حدّ حرف و رویا باقی می ماند؟، ساعات کار مفید در دستگاه ها چقدر کم است؟، چه کنیم ریشه ربا قطع شود؟، آیا حقوق متقابل زن و شوهر و فرزندان در خانواده ها به طور کامل رعایت می شود؟، چرا مصرف گرایی برای برخی افتخار شده است؟ و چه کنیم تا زن هم کرامت و عزّت خانوادگی اش حفظ شود و هم بتواند وظایف اجتماعی خود را انجام دهد؟».

رهبری پس از تبیین اهمیت عینی سبک و فرهنگ زندگی، به مبانی کارگشای این مبحث از منظر اسلام پرداختند و تأکید کردند: «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را از مایه های اصلی فرهنگ صحیح می داند و ما نیز باید به طور جدّی به این مقولات بپردازیم وگرنه پیشرفت اسلامی و تمدّن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت». به نظر ایشان، «در بحث سبک و فرهنگ زندگی، اسلام عزیز همه نیازهای انسان را برآورده می سازد و دانشوران حوزه و دانشگاه باید علاوه بر تلاش در فقه و حقوق، در بحث اخلاق اسلامی و عقل و سلوک عملی اسلام نیز کارهای مترکم و با کیفیت انجام دهند تا نتایج این تلاش ها مبنای برنامه ریزی و تعالیم نسل ها قرار گیرد». رهبری پس از تبیین ضرورت ایمان به هدف به عنوان یکی از عوامل اساسی تمدّن سازی، بحث مهم امروز را با تأکید بر یک نکته اساسی دیگر پایان دادند: «پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدّن غربی». (همان)

سند مهندسی فرهنگی و سبک زندگی

در سند مهندسی فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اسناد بالادستی پیرامون سبک زندگی در عناوین اولویت‌های فرهنگی، راهبردهای کلان فرهنگی و اقدامات ملی آمده است؛

«اولویت‌های فرهنگی» شامل موضوعات، مسائل و چالش‌های اساسی است که ناظر به ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، محصولات و نمادهای فرهنگی کشور در سطوح فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)، عمومی و حرفه‌ای می‌باشند. اولویت‌ها معیار و مبنای تخصیص منابع و امکانات کشور برای تحقق اهداف و چشم انداز فرهنگی کشور محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، سبک زندگی اسلامی - ایرانی؛ معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی، عفاف، پوشش و آرایش بر اساس فرهنگ اسلامی - ایرانی، صله رحم و الگوهای تعاملات اجتماعی، خانوادگی و فردی با اولویت کودکان، نوجوانان و زنان. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1390: 27)

در «راهبردهای کلان فرهنگی» نیز اشاره به سبک زندگی اسلامی - ایرانی شده است: «طراحی و نهادینه سازی آداب و سبک زندگی اسلامی - ایرانی در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تقوای الهی و با الهام از سیره معصومین (ع)». (همان: 29)

اما در بخش «اقدامات ملی» با تفصیل بیشتری به سبک زندگی اسلامی - ایرانی توجه شده است؛

- 1- تدوین و اجرای برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی.
- 2- برنامه ریزی برای تقویت فرهنگ و سبک زندگی اصیل روستایی و عشایری متناسب با مقتضیات و سبک زندگی اسلامی - ایرانی.
- 3- تهیه و اجرای برنامه جامع الگوی صحیح مصرف و مقابله با مصرف‌گرایی، اسراف و تجمل‌گرایی.
- 4- برنامه‌ریزی برای افزایش سهم کالاها و محصولات فرهنگی - مذهبی در سبد مصرفی خانوار به ویژه خانواده‌های روستایی و عشایری.
- 5- بسترسازی برای ترویج سبک زندگی اسلامی و فرهنگ صرفه‌جویی، قناعت و مصرف صحیح و بهینه در حوزه‌های انرژی، آب، حمل و نقل، دارو، خوراک و پوشاک مبتنی بر آموزه‌های دینی، منافع ملی و توجه به اقشار محروم. (همان: 56 و 57)

بنابراین، مباحث سبک زندگی در اسناد بالادستی و سخنان مقام معظم رهبری دارای اهمیت فراوان بوده و توجه ویژه‌ای را برای مطالعات و پژوهش‌های عمیق و کیفی طلب می‌کند.

جمع بندی و تحلیل مقایسه‌ای اسناد بالادستی نظام پیرامون سبک زندگی با ادبیات مفهومی و نظری آن

با کنکاش در سخنان رهبری و اسناد فرهنگی بالادستی کشور و تحلیل آنها از یک طرف، و تحلیل ادبیات مفهومی و نظری سبک زندگی از طرف دیگر، نتیجه تحلیلی این می‌شود که سبک زندگی مورد نظر نظام، یک سبک زندگی هنجاری - ارزشی است که تقریباً به طور یکسان برای عموم جامعه دیده و تجویز می‌شود. اما سبک زندگی مورد بحث در ادبیات علوم اجتماعی، توصیفی و پسینی است و به شدت متأثر از واقعیات نظام قشریندی جامعه می‌باشد. و دیگر اینکه، به نظر می‌رسد، سبک زندگی مورد نظر نظام در نهایت به دنبال «همسان‌سازی» شیوه زندگی مسلمانان در کلیت ارزشی خودش می‌باشد. درحالی‌که، سبک زندگی مد نظر در علوم اجتماعی، اصولاً برای ایجاد «تمایز» در همه سطوح رفتاری، انگیزشی و ارزشی است. بنابراین، این تفاوت‌ها در رویکردهای نظری و عملی اتخاذ شده به سبک زندگی در کشور، نتایج متفاوتی را نیز به بار می‌آورد. بدین ترتیب که اسناد بالادستی نظام پیرامون سبک زندگی در حد و شکل نوشتار و سخنان باقی می‌مانند و سبک زندگی اقشار مردم در جامعه هم مسیر خودش را می‌رود.

خلاصه یافته‌ها و اطلاعات مقالات، کتب و طرح‌های پژوهشی درباره وضعیت سبک زندگی در کشور در دهه اخیر

به منظور سهولت در فهم و مقایسه داده‌ها و نتایج بدست آمده از تحقیقات تجربی پیرامون وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر، جدولی تهیه شده تا یافته‌ها و اطلاعات بدست آمده از مطالعه مقالات، کتب و طرح‌های پژوهشی به شکل چکیده و خلاصه در دسترس باشد. از این اطلاعات و یافته‌های چکیده در دسترس، برای تحلیل وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر استفاده می‌شود.

در این مطالعه، 15 اثر تجربی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت؛ این آثار تجربی مورد مطالعه، طرح‌های پژوهشی و یا مقالات حاصل از طرح‌های پژوهشی بعضاً ملی می باشند که اکثریت آنها از نظر دوره زمانی، در دهه اخیر می گنجند. و فقط دو مورد آن به خاطر مطالعه اکتشافی و اهمیت یافته‌های آنها از دهه گذشته انتخاب شده‌اند. بنابراین، درون‌مایه و محتوای اصلی این ارزیابی و گزارش، یافته‌ها و اطلاعات و آمار مطالعات تجربی می‌باشد که در دهه اخیر کشورمان، پیرامون شاخص‌ها، الگوها و معرف‌های سبک زندگی در بین اقشار و گروه‌های مختلف انجام گرفته است؛

جدول شماره 2: مطالعات تجربی درباره وضعیت سبک زندگی در ایران در

دهه اخیر

طرح‌های پژوهشی	سیمای سبک زندگی در ایران
«سبک زندگی و هویت اجتماعی» (چاوشیان، 1381)	در این تحقیق، نتیجه گرفته می‌شود که هویت فردی و جمعی اعضای یک جامعه مدرن کلان شهری به کمک موقعیت یا ویژگی‌های ساختاری آن‌ها تبیین نمی شود، بلکه تا حدود زیادی به کنش مصرف و انتخاب‌های مصرفی بستگی دارد و در نتیجه ماهیت فرهنگی دارد. این فرضیه کلی در پنج حوزه مورد بررسی قرار گرفته است؛ 1) ذوق و سلیقه هنری، 2) نظارت و مدیریت بدن، 3) پوشاک، 4) اولویت هزینه‌ای و ترجیحات زندگی و 5) سبک زندگی خانوادگی. بررسی تجربی این فرضیه، از طریق پیمایش، روی نمونه 825 نفری از زنان و مردان بالای 18 سال ساکن تهران صورت پذیرفته است.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفایم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

سیمای سبک زندگی در ایران	طرح‌های پژوهشی
<p>در این تحقیق، با نمونه‌ای از جوانان 15 تا 30 ساله تهرانی، سعی شده است تصویری از سبک زندگی جوانان در شهر تهران ارائه شود. برای ارائه این تصویر، از سه مؤلفه جهت سنجش سبک زندگی جوانان استفاده شده است؛ (1) ترجیحات موسیقایی، (2) ترجیحات سینمایی و (3) الگوی گذران اوقات فراغت. نتایج نشان می‌دهد که موسیقی پاپ ایرانی که توسط ایرانیان خارج از کشور تولید می‌شود، بیشترین محبوبیت را دارد. جوانان از لحاظ ترجیحات تلویزیونی و ماهواره‌ای فارسی زبان از جمله به شبکه‌های تجاری مانند pmc و tapersh علاقه دارند. و آخر اینکه جوانان تهرانی به برخی فعالیت‌های تفریحی مثل گوش دادن به موسیقی مورد علاقه، مکالمه تلفنی با دوستان، تماشای تلویزیون ماهواره‌ای، گردش در پارک‌های شهر و مراجعه به مراکز خرید و مجتمع‌های تجاری به عنوان گذران اوقات فراغت اذعان نموده‌اند.</p>	<p>«سبک‌های زندگی جوانان تهرانی» (شورای عالی جوانان دفتر ریاست جمهوری، 1376)</p>
<p>در این تحقیق، پیامدهای کاربرد فراغتی اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان تهرانی مطالعه شده است. در یافته‌های این تحقیق، سه سبک فراغتی (سبک فراغتی گذار، سبک فراغتی دانش محور و سبک فراغتی طبقه محور) از هم تفکیک شده است. و این مطالعه نشان می‌دهد که با وجود تلاش همه دست اندرکاران امور جوانان در جامعه‌پذیری نسل جوان، خرده فرهنگ جوانان تعریف دیگری از بهنجاری و نابهنجاری دارند و این</p>	<p>«مصرف اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان تهرانی» (پاک سرشت، 1385)</p>

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

طرح‌های پژوهشی	سیمای سبک زندگی در ایران
	<p>امر نمایانگر شکاف بین سیاست‌های فرهنگی رسمی در حوزه جوانان و فعالیت‌های فرهنگی و خرده فرهنگی می‌باشد.</p>
<p>«سبک‌های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان تهرانی و دلالت‌های سیاسی آنان» (شهبازی، 1377)</p>	<p>محقق با استفاده از روش کیفی و با استفاده از مفهوم تیپ ایده‌آل وبری، سنخ‌شناسی از سبک‌های زندگی جوانان تهرانی ارائه می‌دهد. بر اساس اطلاعات بدست آمده از طریق مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه، سه نوع سبک زندگی در میان جوانان شناسایی شد؛ 1) سبک زندگی هم‌نوایانه، 2) سبک زندگی بسیجی و 3) سبک زندگی جهان وطنانه. بنابراین، جامعه ما در کنار سبک‌های زندگی مدرن و پسامدرن، عناصری از سبک زندگی سنتی را نیز تجربه می‌کند. یعنی، جامعه ایرانی یک جامعه «شفاق یافته» می‌باشد.</p>
<p>«مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی» (شفیعی، 1387)</p>	<p>این مطالعه، گذران اوقات فراغت را به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی مورد توجه قرار داده و به بررسی تمایزهای جنسیتی می‌پردازد. اینگونه مطالعات، ضمن ارائه شاخص‌های جدید در حوزه سبک زندگی و مطالعه قشربندی جامعه، ما را به سوی هر چه بهتر امر اجتماعی رهنمون می‌سازد.</p>
<p>این پژوهش، پژوهشی ملی در سطح مراکز استان‌های کشور است که به</p>	

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی معاییم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

سیمای سبک زندگی در ایران	طرح‌های پژوهشی
<p>بررسی اعتقادات، نگرش‌ها و باورهای جوانان، جهت درک ارزش‌های موجود میان آنها می‌پردازد. نتیجه این مطالعه، به صورت 30 گزارش توصیفی به تفکیک استان‌های کشور و هشت جلد کتاب شامل بررسی ارزش‌های جوانان در هشت خرده مقیاس روابط خانوادگی، دختران و زنان جوان، اوقات فراغت و سبک زندگی، هویت دینی و هویت ملی، ارزش‌های شغلی و تحصیلی، ارزش‌های اجتماعی، رسانه‌ها و جهانی شدن و حقوق و مشارکت شهروندی ارائه شد.</p>	<p>«اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان» (گروه اجتماعی - فرهنگی سازمان ملی جوانان، 1384)</p>
<p>مطالعه موردی از روستایی در استان مرکزی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی، در جامعه روستایی ایران نیز، فرهنگ «مصرف گرایی» در حال شکل‌گیری است. در گذشته، ویژگی‌های زندگی روستایی اجازه نمی‌داد تا پدیده رفتارها و سبک‌های مصرفی به معنایی که در شهر دیده می‌شود، بوجود آید. اما با رشد فرآیند شهرنشینی، روستاهای ما نیز مصرف شهری پیدا کردند.</p>	<p>«تحوّل سبک زندگی روستایی در ایران» (نعمت‌الله فاضلی، 1386)</p>
<p>این پژوهش، تحلیل ثانویه از اطلاعات مربوط به مصرف فرهنگی 9818 دانشجوی در بانک اطلاعات وزارت ارشاد می‌باشد. علی‌رغم اینکه مصرف فرهنگی دانشجویان نسبت به عموم جامعه بایستی بیشتر باشد، اما برخی تفاوت‌های مشاهده شده میان میزان فعالیت و مصرف فرهنگی دانشجویان و عموم جامعه زیاد نیست؛ دانشجویان در مقایسه با زمان فراغتی که در</p>	<p>«تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی» (محمد فاضلی،</p>

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

سیمای سبک زندگی در ایران	طرح‌های پژوهشی
<p>دسترس دارند، بسیار کم کتاب می‌خوانند. درصد قابل توجه‌ای از آنها کتاب نمی‌خوانند و روزنامه و مجله مطالعه نمی‌کنند. تعداد فیلم‌هایی که دانشجویان می‌بینند، بسیار اندک است و تماشای تئاتر نیز وضع نامناسب-تری دارد. بنابراین، میزان مصرف فرهنگی دانشجویان در حدی نیست که بتوان خروجی‌های دانشگاه امروز ایران را متناسب با معیارهای فرهنگی دانشگاه‌های نوین دانست.</p>	<p>(1386)</p>
<p>نتایج مطالعات انجام شده بر روی جوانان و به ویژه مشاهدات در سطح جامعه حاکی از اهمیت یافتن پروژه «بدن» برای طیف بیشتری از جوانان دختر و پسر و سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم آنان در این مسیر است. مطالعه بر روی نمونه‌ای هدفمند از جوانان شرکت‌کننده در باشگاه‌های تناسب اندام شهر تهران نشان می‌دهد که، در مورد همه مؤلفه‌های شاخص بر رضایت بدنی (قد، وزن، اندام، احساس کلی نسبت به بدن و احساس درونی به بدن) رضایت پسران از دختران بیشتر است.</p>	<p>«تحول الگوهای سبک زندگی جوانان در ایران» (ذکایی، 1386)</p>
<p>یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فراغت و تولیدات فرهنگی که در زمان فراغت مورد استفاده است، پرکاربردترین مصارف جوانان طبقه متوسط شهری بودند و بسیاری از تولیدات فرهنگی در زمان فراغت مورد استفاده قرار می‌گیرند. دیگر اینکه، در شرایط حاضر، جوانان به جای اینکه صرفاً دنباله روی سبک‌های زندگی از پیش تعیین شده در نظام اجتماعی</p>	<p>«شالوده هویت اجتماعی در مدرنیته متأخر» (رحمت آبادی،</p>

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفایم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

سیمای سبک زندگی در ایران	طرح‌های پژوهشی
<p>باشند، تا حدودی انتخاب‌ها و موقعیت‌ها را خود تعیین می‌کنند. البته خاستگاه اجتماعی و خانواده به عنوان بستری مهم که جوانان در آن بزرگ می‌شوند، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است.</p>	<p>(1386)</p>
<p>هدف این مطالعه، بررسی سبک‌های زندگی خاصی است که زنان در جامعه کنونی ایران (نمونه تهران) از انتخاب پوشش‌های خاص مدنظر دارند. نتایج این مطالعه رسیدن به 9 نوع تیپولوژی شیوه‌های مختلف پوشش به قرار زیر شده است؛ (1) حجاب به مثابه تکلیف، (2) حجاب به مثابه ایدئولوژی، (3) حجاب سنتی، (4) حجاب زیبایی شناختی، (5) حجاب بازاندیشانه، (6) پوشش به مثابه سبک زندگی، (7) پوشش مد محور (تیپ اینترنتی)، (8) فشن لس (بدون مد) و (9) پوشش فمینیستی. بنابراین، دو نوع سبک زندگی و رفتاری متفاوت دیده می‌شود که می‌توان آنها را «سبک زندگی مبتنی بر خلق هویت» و «سبک زندگی مبتنی بر تمایز» نامید.</p>	<p>«سبک زندگی و پوشش زنان در تهران» (فرجی و حمیدی، 1385)</p>
<p>در این تحقیق پیمایشی، به مطالعه عناصر و اقلامی از تجلیات آشکار و عینی خرده فرهنگی و سبک‌های زندگی در دختران نوجوان چون؛ مد و سبک پوشش، موسیقی، آرایش، کاربرد زبان و واژه‌های خاص، مصرف</p>	<p>«سبک زندگی یا رفتارهای خرده فرهنگی در بین</p>

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

سیمای سبک زندگی در ایران	طرح‌های پژوهشی
<p>وسایل تزئینی بدن و فعالیت‌های فراغتی و عوامل زمینه‌ای مؤثر آن پرداخته شد. نتایج این تحقیق ضمن نشان دادن سطح فرآگیری رفتارهای خرده فرهنگی، تنوع و اولویت انتخاب‌های مصرفی نوجوانان دختر را نسبت به مؤلفه‌های خرده فرهنگی نشان می‌دهد.</p>	<p>دختران نوجوان» (پورغلام، 1384)</p>
<p>نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مادران و دختران، با تلفیقی از هر دو سبک زندگی مدرن و سنتی زندگی می‌کنند. علی‌رغم اینکه در هر دو گروه، درصد افرادی که با هر دو سبک زندگی می‌کنند، قابل توجه می‌باشند. اما درصد گرایش مادران به سبک زندگی سنتی بیشتر و درصد گرایش دختران به سبک زندگی مدرن بیشتر است. و تغییر در سبک زندگی خانوادگی مادران و دختران بر روی نگرش به هویت جنسیتی در همان جهت تأثیرگذار است و کسانی که با سبک مدرن در خانواده زندگی می‌کنند، دارای نگرشی مدرن به هویت جنسیتی خویش نیز می‌باشند و برعکس.</p>	<p>«رابطه ی بین سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دو نسل مادران و دختران» (محمدی، 1384)</p>
<p>هدف کاربردی این مطالعه، ارائه معیارهایی دال بر گروه بندیهای اجتماعی جدید بر مبنای سبک زندگی در دهه اخیر است که مرزهای هویت را ترسیم می‌کند. یافته ها حاکی از آن است که تولیدات فرهنگی، کاربردی-</p>	<p>«سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان» (رحمت</p>

سیمای سبک زندگی در ایران	طرح‌های پژوهشی
<p>تربین مصارف جوانان مورد بررسی بوده‌اند و بسیاری از تولیدات فرهنگی در زمان فراغت مورد استفاده قرار می‌گیرند. اولویت‌های حاصل از شاخص-های پژوهش نشان می‌دهد که اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی در دهه اخیر، سبک‌های زندگی جوانان را به شیوه‌های جدید زندگی دیجیتال پیوند زده است و فرهنگ‌های ویژه جوانان را جهانی کرده است.</p>	<p>آبادی، (1386)</p>
<p>نتایج این تحقیق تمام شماری نشان می‌دهد که از زمان اجرای اصلاحات ارضی، زمینه ورود فن‌آوری‌های ارتباطی مدرن به طایفه دهدار فارس تسهیل شد. اکنون حدود 20 درصد از افراد آن از کامپیوتر، 46 درصد از افراد آن نیز از موبایل و 49 درصد نیز از ماهواره استفاده می‌کنند. ضبط صوت، تلفن معمولی و تلویزیون از جمله وسایل ارتباطی هستند که بیش از همه مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، ورود فن‌آوری ارتباطی و اطلاعاتی، تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی افراد این طایفه گذاشته است</p>	<p>«تأثیر فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر سبک زندگی؛ مطالعه موردی افراد مهاجر و بومی طایفه دهدار فارس» (مقدّس، لهسایی‌زاده و غفاری نسب، 1387)</p>

وضعیت شاخص‌ها، معرف‌ها و الگوهای سبک زندگی در ایران در دهه اخیر

در جامعه ایران، در مورد شاخص‌های زیر اطلاعات متعدّد، اما پراکنده وجود دارد که به خوبی بازنمای دقیق وضعیت سبک زندگی در ایران و تحولات آن نیست، اما همین میزان اطلاعات مغتنم بوده و به نظر می‌رسد، فهم آنها برای نگرش و اقدام اجرایی در زمینه سبک زندگی راهگشا می‌باشد. بنابراین، با توجه به ادبیات نظری و تجربی پیرامون سبک‌های

زندگی، می‌توان چند دسته شاخص کلان برای سبک زندگی در ایران در نظر گرفت. مهمترین شاخص‌ها، معرف‌ها و الگوهای مورد توافق و مورد تأکید به قرار زیرند؛ لازم به ذکر است که در ذیل هر یک از شاخص‌ها و الگوها، خلاصه‌ای از نتایج و یافته‌های مهم حاصل از تحقیقات تجربی دهه اخیر سبک زندگی کشور می‌آید؛

1- الگوی عام مصرف (خوراک و تغذیه، مصرف رسانه ای و ...)

مقوله مصرف در سالهای اخیر، از پرتکرارترین مفاهیم در مجامع جهانی بوده است. علاوه بر ادبیات نظریه پردازی اجتماعی، در کنفرانس‌های جهانی مربوط به محیط زیست، توسعه اجتماعی، بهداشت، توسعه انسانی و کیفیت زندگی، بر تغییرات در الگوی مصرف برای سلامتی و پایداری تأکید می‌شود. به دلایل کارکردهای هویتی و زیبایی شناختی، مصرف بیش از هر مقوله ای سبک سازی می‌کند. یعنی سبک زندگی در زیرمجموعه انواع هزینه‌ها، خوراکی‌ها، امیال مصرفی معنا می‌یابد. بر اساس اطلاعات و یافته‌های تحقیقات تجربی دهه اخیر پیرامون وضعیت سبک زندگی در ایران، مطالب زیر درباره وضعیت مصرف در ایران آورده می‌شوند؛

الف) وضعیت خوراک و تغذیه؛

به طور کلی در کشور بر اساس مطالعات انجام گرفته (چاوشیان، 1381)، تحولاتی در الگوی خوراک و تغذیه اتفاق افتاده است. دسترسی مردم به مواد غذایی بیشتر شده، در عین حال، بیماریهای قلبی و عروقی و انواع سرطان‌ها نیز به سبب خوردن چربی‌جات و شیرینی‌جات در اولویت بیماریهای مهلک کشور قرار دارند. خوردن غذاهای جدید و مغذی، به لطف آبزی پروری افزایش یافته است. دیگر اینکه، مصرف غذاهای سریع در دانشگاه‌ها و محل کار زیاد شده است. بنابراین، مصرف غذاها از حیث نوع، کیفیت، میزان کالری، چربی-جات یا سبزی‌جات معیار دیگری در تشخیص سبک زندگی است. استفاده از سیگار و نوشیدن انواع نوشابه‌ها نیز، جزو شاخص‌های سبک زندگی به حساب می‌آیند. من حیث-المجموع، بر اساس تحقیقات انجام گرفته در دهه اخیر، اقلام سبد خانوار متنوع و پر تعداد شده است. اما این امر، به تناسب تورم و مشکلات اقتصادی در نوسان بوده است. هرچند این تنوع طلبی غذایی بیشتر به سمت شیرینی‌جات و غذاهای پرچرب و زودآما حرکت کرده و تنوع عناصر اصلی مورد نیاز بدن رعایت نشده است. نتیجه اینکه درصد بیماری‌های ناشی از چنین الگوی مصرفی روبه‌تزايد می‌باشد.

ب) شاخص مصرف؛

در یک رویکرد کلان، از حیث الگوی مصرف در وضعیتی نامناسب قرار داریم. در عمده آمارها (گزارش مرکز آمار ایران، 1390)، در مصرف کالاهای عام، خاصه مصرف آب، برق، گاز، بنزین و ... حداقل دو برابر استاندارد سرانه جهانی مصرف داریم. از حیث تولید آلودگی های زیست محیطی، جامعه و افرادی آلوده کننده و بی توجه به حساب می آیییم. در مصرف دارو و برخی وسایل خاص بهداشتی، در وضعیت افراط و مصرف بی حساب هستیم. این در حالی است که در مصرف بعضی از اقلام دچار تفریط می‌باشیم؛ مثلاً بر اساس یافته‌ها (گزارش وزارت جهاد کشاورزی، 1392)، مصرف سرانه شیر (به عنوان مقوله مهم در سلامت جامعه) در کشور حدود 100 لیتر می‌باشد، در حالی که مصرف سرانه بعضی از کشورها نزدیک به 500 لیتر است. این تفاوت فاحش به شکل مصرف نوشابه‌های گازدار جبران می‌شود. با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در دو سال گذشته، به نظر می‌رسد تغییری تعدیلی و مثبت در سرانه های مصرف صورت گرفته است، اما بار افراط در برخی شاخص‌ها به شاخص‌های دیگر منتقل شده است. به‌طورکلی، بخشی مهمی از افراط در مصرف، ریشه فرهنگی دارد که با رصد دائمی این امر، شناخت بهتری از وضعیت موجود و به تبع آن ارائه راه‌کارهای مناسب حاصل می‌آید.

ج) مصرف رسانه‌ای؛

علی‌رغم تولید و تکثیر شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون داخلی و برون‌مرزی و بالا رفتن کیفیت و تنوع برنامه‌ها، بر اساس یافته‌های تحقیقات انجام گرفته (وزارت ارشاد، 1392 و شورای عالی جوانان، 1386)، 71 درصد از شهروندان تهرانی به شبکه‌های ماهواره-ای دسترسی دارند. بیشترین علاقه جوانان به شبکه های ماهواره‌ای pmc و Tapesه بوده است، که شبکه‌هایی تجاری و سرگرم کننده می‌باشند. از نظر ترجیحات سینمایی نیز، علاقه به فیلم‌های جنگی و محرک جنسی در میان پسران و فیلم‌های عشقی و سرگرم کننده در میان دختران بیشتر بوده است. و همچنین، موسیقی پاپ ایرانی، ساخته ایرانیان خارج از کشور و بعد از آن موسیقی پاپ غربی، بیشترین محبوبیت را در میان جوانان تهرانی دارند. (صمیم، 1391) هرچند خلع تحقیقات پیمایشی ملی به شدت احساس می‌شود، اما نتایج این تحقیقات در تهران هم دورنمای کل کشور را نگران کننده می‌نمایاند.

2- الگوی خرید؛

به طور کلی، نوع کالاهای خریداری شده، شاخصی برای تعیین و تعریف سبک زندگی است. گران بودن یا ارزان بودن کالا و وسیله خریداری شده اعم از اتومبیل، وسایل برقی خانگی، پوشاک و ...، موجب تعریف خاص افراد جامعه از خریدار می‌شود. به طور معمول در الگوی خرید، خارجی بودن کالا، معادل دوام آن به حساب می‌آید. همچنین به دلیل عنصر «تفاخر» در استفاده از کالای خارجی (اعم از اتومبیل، وسیله برقی خانگی و ...)، شاید مهمترین اولویت عامل مطلوبیت خرید خارجی بودن کالا انگاشته شده است. «زنان»، نقش مهمی در نوع نگرش خانواده به موضوعات مختلف دارند. اگر آنان از مصرف کالای لوکس، تجملی و خارجی خودداری کنند، سایر اعضای خانواده نیز تاحدی از آنان تبعیت می‌کنند و دیگر اینکه، لزوم تغییر نگرش زنان از مصرف کالاهای لوکس و خارجی به استفاده از کالاهای ایرانی می‌پذیرد. یعنی، لازم است نگرش زنان در این زمینه از مصرف کالاهای لوکس و خارجی به سمت استفاده از کالاهای ایرانی با کیفیت تغییر پیدا کند. چرا که در صورت تحقق این امر، چرخه تولید کالاهای داخلی قطع نمی‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیقات تجربی سبک زندگی در ایران (چاوشیان، 1381 و کیقبادی، 1388)، ترجیحات خرید خانم‌ها، بیشتر از همه «پوشاک، وسایل منزل و کتاب» بوده است. در صورتی که، آقایان به خرید کالاهای ارتباطی مانند موبایل، اتومبیل و موتور سیکلت علاقه نشان داده اند. لوکس گرایی، فاصله گیری از ساده زیستی و چشم‌وهم-چشمی، اخلاق رایج خانواده‌ها شده است. تعویض وسایل منزل و خودروها عمدتاً با هدف تفاخر صورت می‌گیرد. در مناطق روستایی نیز، شکل گیری خانه‌های دوم و مصرفی (تفریحی و ویلاقی) باعث تغییر در سبک زندگی روستاییان شد. یعنی، بر اثر فعالیت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (دادن وام مسکن روستایی)، خانه‌های مصرفی افزایش یافته است. بنابراین، نوعی «شهری شدن روستایی» اتفاق افتاده است. در روستاها، به موازات خرید وسایل برقی، ماشین لباس شویی، چرخ گوشت و ...، تغییراتی در نوع مصرف صورت گرفته است. به نوعی می‌توان گفت که، در آغاز دوره «مبلمانی شدن زندگی روستایی»، که همان زندگی تفاخری است، هستیم. که در این دوره، نسل‌های جدیدی که با نظام مدرسه و دانشگاه مرتبطند، به کلی سبک زندگی شهری را انتخاب کرده اند. اگرچه نسل‌های قبلی هم متمایل به این امر شده‌اند.

3- الگوی سبک پوشش و بازنمایی بدن

نحوه آرایش موی سر، استفاده از ادکلن‌ها، کرم‌ها، آرایش صورت، پوشیدن لباس از دیگر علایم سبک زندگی به حساب می‌آید. افراد، با انتخاب مد، هویت سبکی و طبقاتی و قشری خود را بازنما می‌کنند. اهمیت این هویت برای بسیاری از اعضای جامعه آنقدر زیاد است که گاهی ممکن است فردی از رفاه نیز برخوردار نباشد، اما الزامات مد را رعایت می‌کند. بر اساس یافته‌های تحقیقات (فرجی و حمیدی، 1385 و ذکایی، 1386)، پوشش علاوه بر ذوق و قریحه، فخرفروشی را هم نشان می‌دهد. عمده جوانان مورد تحقیق، در وهله اول راحتی لباس را بر ابعاد دیگر آن ترجیح داده‌اند. اما به نسبت مسن‌ترها، جنبه‌های نمایشی لباس مانند مد و زیبایی را بیشتر اهمیت می‌دهند. یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که، «مدی بودن، خارجی بودن، مارک‌دار بودن، خوشرنگ بودن و تک بودن» خواسته بیشتر جوانان بوده است، در صورتی که «بادوام بودن و ارزانی» خواسته بیشتر مسن‌ترها بوده است. و دیگر اینکه، لباس‌های مارک دار و خارجی، علاقه تقریبی همه جوانان بوده، اما افراد ثروتمند به این خواسته و علاقه اصرار بیشتری می‌ورزند.

از نظر وسایل آرایشی و نمایش بدن نیز، یافته‌ها (همان) نشان می‌دهند که، کنترل وزن در میان دختران بسیار بیشتر از پسران اعمال شده است. اما از حیث مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی تقریباً یکسان بوده‌اند. دستکاری‌ها و جراحی‌ها در بدن، خاصه جراحی بینی، در نمونه‌های زن و آن هم جوان، نسبتاً بالا بوده است. از حیث وسایل آرایشی و بهداشتی، بیشترین خرید برای کرم‌های ضد آفتاب و رنگ مو برای خانم‌ها و کرم‌های تقویتی برای آقایان اعلام شده است. و نهایتاً اینکه، تعویق فرزندآوری و کم کردن باروری در راستای بازنمایی بدن خانم‌ها می‌باشد. (پورغلام، 1384 و محمدی 1384)

بنابراین، همه یافته‌های فوق در میدان فرهنگی جامعه ایرانی، نشان از تغییر و دگردیسی در پذیرش الگوهای مصرفی نسل جدید دارد. نسل جدید سبک مصرفی متمایزی از نسل قبلی برگزیده است و برخلاف سنت تاریخ این نسل قبلی است که در پی نسل جدید حرکت می‌کند.

4- الگوی اوقات فراغت

چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است. در واقع از روی نحوه اوقات فراغت می‌توان گفت، چه نوع

جامعه‌ای سنتی، صنعتی و... است. به طور کلی، بر اساس یافته‌های تحقیقات (سازمان ملی جوانان، 1384 و شفیع‌ی، 1387)، به ترتیب تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی و استفاده از اینترنت مهمترین شکل فراغت افراد مورد مطالعه بوده است. و گونه و نوع فراغت جوانان تابعی از پول توجیبی آنها نیز بوده است. برای فهم دقیقتر این مطلب، این الگو را به بخش‌های مختلف تقسیم می‌نماییم؛

الف) فراغت رسانه‌ای؛

بر اساس یافته‌ها، گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانی، ساخته ایرانیان خارج از کشور، اولین و مهمترین اولویت فراغتی جوانان بوده است. بعد از موسیقی، فراغت‌های اینترنتی اعم از چت کردن و وب گردی، بیشترین زمان فراغت رسانه‌ای جوانان را به خود اختصاص می‌دهد. پدیده اس ام اس (پیامک) تفریحی در میان همگان، خاصه زنان خانه دار و جوانان به شدت افزایش یافته است.

ب) فراغت ورزشی و هنری؛

بر اساس یافته‌ها، ورزش بخش کمی از اوقات فراغت مردم را به خود اختصاص داده است. از حیث آمارها 6 درصد مردم ایران ورزش می‌کنند. سرانه فضای ورزشی کشور 30 سانتی متر است، در صورتی که استاندارد جهانی یک متر است. به طور کلی، جهت گیری معینی در انتخاب‌های ذوقی و هنری (سینما، موسیقی و ادبیات) مردم مشاهده نشده است. علی‌رغم اینکه جوانان به موسیقی علاقه زیادی نشان داده‌اند، اما نمی‌توان به سبک خاصی اشاره کرد. بر اساس یافته‌ها، افرادی که حساسیت دینی زیادی داشته‌اند، کمتر به موسیقی گرایش داشته‌اند. و نهایتاً اینکه، ذوق ادبی در میان جوانان کم دیده شده است.

ج) فراغت جمعی؛

بر مبنای اطلاعات و یافته‌های تحقیقات سبک زندگی در ایران (همان)، سفرهای زیارتی، فراغتی و تفریحی افراد نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است. مردان جوان بیشتر به روابط بین شخصی، مثل رابطه با دوستان و ارتباط با جنس مخالف علاقه داشته‌اند، ولی مقوله گردش و خرج کردن بیشتر برای زنان مهم بوده است. رفتن به پارک، رستوران و کوه، بخشی از اعمال افراد مورد مطالعه بوده است. در فراغت‌های جمعی جوانان، استفاده از مواد افیونی، دودی و شادی آور باب شده که عمدتاً هم تفننی به حساب

می آید. بر اساس آمار، کاهش سن اعتیاد (60 درصد معتادان کشور زیر 35 سال سن دارند)، نشان دهنده این گونه الگوی فراغتی است.

د) فراغت مخاطره آمیز

این گونه فراغت، فراغت های جدیدی می باشد که وابسته به چند عامل می باشد؛ (1) پارتی های جوانان که معمولاً با مصرف مشروبات الکلی و قرص های شادی آور همراهند، (2) فراغت های تفریحی - قلیونی که در سفره خانه های سنتی امکان پذیر شده است (به دو مورد فوق تفنن افیونی نیز می توان گفت) و (3) فراغت های تکنولوژیکی، رسانه‌ای، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی، اتوموبیل سواری و موتور سواری که به مرز اعتیاد رسیده است.

5- الگوی تعاملات اجتماعی

اکثر فعالیت‌ها و کنش‌های اجتماعی افراد با سبک زندگی آنها ارتباط دارند. نحوه پذیرایی از مهمان، نحوه صحبت کردن و تلفظ کلمات، به کارگیری کلمات بیگانه در زبان عامیانه، بلند یا آرام صحبت کردن، خندان بودن یا غیر آن و ... همگی برای تعریف جایگاه فرد و سبک زندگی او اهمیت دارند. در تحقیقات انجام گرفته پیرامون سبک زندگی در کشور، تقریباً از این شاخص غفلت شده است. یعنی، برخلاف سنت اسلامی - ایرانی کشور ما که نوع تعامل انسان ها با یکدیگر، دارای اهمیت زیادی بوده و در منابع و آثار مهمی اشارات دقیقی به آن شده است، در شاخص ها و آیتم های پیرامون بررسی سبک زندگی در کشور مغفول مانده و جای خالی آن ملموس می باشد.

به سوی الگوی اسلامی - ایرانی سبک زندگی

امروزه سبک زندگی به مفاهیم، امور و اشیایی نسبت داده می شود که مرتبط به امور ذوقی، سلیقه ای و تمایلات انسان هاست و باید بین این مفهوم و فرهنگ تمایز قائل شد. به عبارت بهتر، یک لایه از زندگی و فرهنگ که با انتخاب ها و ترجیح افراد پیوند دارد و به دلیل وجود یک نوع پیوند میان مجموعه ای از انتخابها، سبک و الگوی خاص پیدا می کند، سبک زندگی نامیده می شود اما در فضای رسانه ای آن را معمولاً به مواردی همچون مد، دکوراسیون یا مراقبت و بهداشت بدن محدود می کنند. در علوم اجتماعی مؤلفه سبک زندگی به این موارد محدود نیست، بلکه فراتر از این حوزه، کلیه مواردی که انسان در اثر توجه یا محور قرار دادن ذوق و سلیقه اش به سراغ آنها می رود و آنها را بر می گزیند سبک

زندگی اطلاق می‌شود. این انتخاب‌ها می‌تواند در حوزه عقاید، گرایشها، اموال، دارایی‌ها، موقعیت اجتماعی، شغل، دین و سایر امور زندگی باشد. سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که، آیا سبک زندگی خارج از حوزه فرهنگ و دین تعریف می‌شود؟ برای پاسخگو بودن به این پرسش، بایستی نسبت بین فرهنگ و دین با سبک زندگی به شکل روشنتری بیان شود؛

فرهنگ و سبک زندگی

سبک زندگی، درون فرهنگ و حاوی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگ است که الگوی مشخص دارد، اما مفهومی مشابه و معادل فرهنگ نیست. فرهنگ، هم اجزای اجباری و غیر انتخابی و هم اجزای انتخابی دارد که اتفاقاً بخش اجباری آن از بخش انتخابی و متکی بر تمایلاتش بیشتر و حجیم‌تر است. البته در فرهنگ جوامع نوین حوزه اختیارات روبه فزونی است. این حوزه اختیاری و ترجیحی، سبک زندگی را تشکیل می‌دهد و به همین جهت هم امروزه بیش از گذشته به سبک زندگی توجه می‌شود.

دین و سبک زندگی

اگر هدف از زندگی از منظر فرد، کسب رفاه و لذت و برخورداری از تنعمات دنیایی باشد، آن‌گاه تنوع انتخاب، ترجیحات و تمایلات افراد در ابعاد مختلف سبک زندگی توجیه پذیر است. حال این سؤال مطرح است که هدف از زندگی از منظر یک دین چیست؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند ارتباط سبک زندگی با دین را مشخص سازد؛ در این فرآیند اولاً، دین (مجموعه‌ای از آموزه‌ها، سنت‌ها و ...) می‌تواند صورت‌های معینی را در اختیار فرد قرار دهد تا سبک زندگی خود را در قالب آن عرضه کند (سبک زندگی دینی). ثانیاً، بعد ایدئولوژیک و نهادی ساختن دین می‌تواند با ایفای نقش فرهنگی، محدودیت‌ها و مقدوراتی را برای گزینش فرد ایجاد کند (مثلاً نمادهایی را در اختیار فرد قرار دهد یا پاره‌ای صورت‌ها را مانند نوع پوشش یا صورت‌هایی از معاملات را محدود یا ممنوع سازد). ثالثاً، دین می‌تواند به عنوان یک جهان‌بینی و نظام معنایی، فرهنگ دینی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و در شکل‌گیری و جهت‌دهی به فرهنگ عینی نقش ایفا کند. (مثلاً فردیت را بُعدی معنوی ببخشد یا به آزادی، معنایی ببخشد که با تعهد سازگار باشد). بنابراین، آنچه موجب تکرر سبک‌های زندگی می‌شود خلاء ایده‌ای واحد در یک عصر و جامعه است. زیرا می‌توان به

عنوان یک فرضیه انتظار داشت با غلبه‌ی یک گفتمان دینی خاص، تکثر سبک‌های زندگی محدود شود.

در نتیجه، هر سبک زندگی می‌تواند توسعه‌ی هنجاری‌هایی است که زندگی را به عنوان یک کل بیان می‌کند. پس جامعه‌ای که حاوی هنجارهایی مابین با هنجار توسعه‌یافته در یک سبک زندگی است، اجازه‌ی بازتولید آن سبک را نخواهد داد یا حداقل در آن تغییراتی ایجاد خواهد کرد. به این ترتیب، اگر سبکی حاوی هنجاری مابین با هنجار دینی باشد که در گروه یا جامعه‌ای آن هنجار دینی پذیرفته شده است، آن سبک امکان بازتولید نخواهد داشت و یا در صورت بازتولید تغییراتی در آن رخ خواهد داد.

برای کشف ارتباط سبک زندگی و دین می‌توان ویژگی‌های هر سبک زندگی متأثر از دین را شناسایی کرد و سپس بر مبنای این شناخت بررسی کرد که کدام یک از این ویژگی‌ها تحت تأثیر دین و چه آموزه‌های دینی پدید آمده است. مثلاً سبک زندگی مسلمانان در ماه مبارک رمضان متفاوت با دیگر ماهها می‌باشد. نکته دیگر اینکه، دین می‌تواند بر نوع و میزان نیازمندی‌های فرد اثر گذارد و بدین ترتیب در فرآیند سبک‌دهی به زندگی مؤثر واقع شود. مثلاً با ترویج زهد و مصرف کمتر، فرد را هرچه سریع‌تر از نظر اقتصادی در موقعیت انتخاب قرار دهد. بنابراین؛ یک) آیا سبک زندگی می‌تواند مرتبط با یا متأثر از دین (یا فرهنگ دینی یا مؤلفه‌های دینی موجود در یک فرهنگ) باشد؟ مروری بر ادبیات رابطه‌ی دین و سبک زندگی در علوم اجتماعی نشان می‌دهد که، به لحاظ تجربی، سبک‌های زندگی در گذشته و حال از دین تأثیر پذیرفته‌اند.

دو) دین چه تأثیری بر سبک زندگی و مؤلفه‌های آن می‌گذارد؟ طبیعی است پاسخ این سؤال موردی است؛ به عبارتی باید سؤال کرد یک دین خاص بر این سبک‌های زندگی چه تأثیری گذاشته است. مثلاً «وبر» در «اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری» می‌گوید که کالونیسیم، انگیزه و اخلاق لازم را برای ظهور سرمایه‌داری و سبک‌های زندگی متناسب با آن پدید آورده است. «بلا» و «بندیکس» نشان دادند اخلاق و ایدئولوژی «سامورائیان» نه تنها انگیزه‌ها و زمینه‌های تحوّل شگرف را در ژاپن قرن بیستم ایجاد کرد، بلکه به توسعه نهادهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی مشروعیت بخشید. «ورتهایم» همین تأثیر را از ناحیه ایدئولوژی در کشورهای بلوک شرق بررسی کرد و «لنسکی» نشان داد که در دیترویت 1958 دین بر الگوهای رفتاری مانند ازدواج، روابط خانوادگی و خویشاوندی، انتخاب محل

سکونت، اشتغال زنان، تفریحات مانند قماربازی، شراب‌خواری، گذران اوقات فراغت و انتخاب شغل اثر می‌گذارد. بنابراین، همچنان که «زیمل» معتقد است غلبه گفتمان یا فرهنگ دین معینی می‌تواند وحدت نسبی در سبک‌های زندگی یک جامعه ایجاد کند و در مقابل تکثر آن می‌تواند تکثر سبک‌های زندگی را باعث شود.

سه) دین چگونه و طی چه فرآیندی با سبک زندگی مرتبط می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد؟ در یک جمع‌بندی می‌توان گفت با مبنا قرار دادن فرآیند شکل‌گیری سبک زندگی اگرچه معمولاً دین در مرحله شکل‌دهی به تمایلات و ترجیحات مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی پاره‌ای از تحقیقات و امکان‌سنجی‌ها نشان داد که دین می‌تواند در کلیه‌ی مراحل شکل‌گیری سبک زندگی تأثیر مستقیم یا باواسطه (زمینه‌سازی) داشته باشد. یعنی، دین یک امر فراگیر فرهنگی - اجتماعی است و می‌تواند به نوعی در هر امر و فرآیند فرهنگی - اجتماعی و از جمله سبک زندگی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تأثیرگذار باشد. اما این که آیا کلیت دین بر کلیت سبک زندگی تأثیرگذار است؟، آیا پاره‌ای از مؤلفه‌های دین یا امر دینی (مانند ارزش‌ها) بر کلیت سبک زندگی یا بعضی از مؤلفه‌های آن تأثیر می‌گذارد؟ و این کدام مؤلفه‌ی دین و سبک زندگی است؟ و کدامیک تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌تری نسبت به دیگران دارد؟، سؤال‌هایی است که به نظر می‌رسد در محدوده‌ی یک مورد و موضوع معین باید به آن پاسخ داده شود. (مهدوی کنی، 1387: 26)

اسلام و سبک زندگی

به طور کلی، هر یک از انسان‌ها راه و روشی را برای زندگی برمی‌گزینند که این راه و روش (سبک زندگی)، موفقیت و یا شکست آنها را در دنیا و آخرت رقم خواهد زد. از اینرو، سبک زندگی ما در تکامل ابعاد مادی و معنوی مان بسیار با اهمیت است و ما باید آگاهانه سبک زندگی مناسبی را برای خود برگزینیم. هر مکتب و ایدئولوژی سبکی برای زندگی ارائه می‌نماید. مکتب اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجا که ما دین اسلام را عامل رسیدن به تکامل و سعادت انسان می‌دانیم، باید سبکی که این مکتب برای زندگی ارائه می‌نماید را فراگرفته و خود را منطبق با آن گردانیم. یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت اسلامی نیز تغییر سبک زندگی مردم بر اساس مبانی اسلام است. حکومت می‌تواند با تغییر ساختارهای اجتماعی، زمینه ساز ترویج سبکی خاص شود. از اینرو ضمن

کاوش و تبیین سبک زندگی در ابعاد مختلف و سعی در پیاده نمودن آن در زندگی فردی و اجتماعی، باید سعی نماییم که ساختارهای اجتماعی که مروج سبک زندگی اسلامی هستند را نیز شناسایی و پیاده نماییم. بنابراین، وظیفه محققان اسلامی آن است که برای اصلاح سبک زندگی جامعه، ابتدا به ابعاد فردی و پس از آن به اقتضانات اجتماعی پیاده شدن چنین سبکی از زندگی بپردازند.

بر اساس جهان بینی اسلامی، سبک زندگی یک مسلمان باید به گونه ای باشد که به «توحیدی شدن» همه ابعاد زندگی او ختم شود. در تبیین چرایی این موضوع برخی از علما اینگونه گفته اند که منشأ همه خوبی ها «خداوند متعال» است و همه بدیها، از دوری و غفلت از او ناشی می شود. از اینرو تقرّب به حضرت حق، منشأ همه خوبی ها و دوری از او، منشأ همه مشکلات و بدبختی های بشریت است. از اینرو انسان سعادت‌مند، انسانی است که بتواند تمامی وجوه زندگی خود را به گونه ای شکل دهد که در مسیر تقرّب به حضرت حق قرار گیرد.

به عبارت دیگر، همانگونه که در کتب فقهی و مبنایی مهمی چون «حلیه المتقین» علامه محمد باقر مجلسی (مجلسی، 1383) و «مفاتیح الحیاه» آیت الله جوادی آملی (جوادی آملی، 1391) به طور تفصیلی و دقیق آمده، اسلام در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان ها آموزه های تعیین کننده ای ارائه می دهد. به عنوان مثال آموزه هایی پیرامون؛ «تعقل، تفکر و تدبیر، آموزش و یادگیری از گهواره تا گور، نکوهش تنبلی و تأکید بر کار و تلاش، بهداشت فردی، نحوه تعامل انسان با هم‌نوعان، نرساندن ضرر به دیگران، روش خوردن و آشامیدن، لباس پوشیدن، آداب آراستگی، توجه به نوع و مقدار مصرف، انتخاب محل زندگی، امکانات لازم برای زندگی، مسافرت و آداب سفر، کیفیت خوابیدن و بیدار شدن و پرداختن به ابعادی نظیر صله رحم، احترام به پدر، مادر و همسایه، تکریم اقشار مختلف، عیادت بیماران، مهمان‌نوازی، تکریم جهادگران و ایثارگران، تکریم علما، توجه به کودکان و تربیت فرزندان، نحوه برخورد با حیوانات، نحوه برخورد با محیط زیست و ...». این آموزه ها که در فرهنگ اسلامی ما جایگاه ویژه دارند، اجزای شکل‌دهنده سبک زندگی اسلامی - ایرانی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. بنابراین در یک جمع بندی، سبک زندگی اسلامی - ایرانی را می توان در سه بخش دسته بندی کرد؛ (1) رابطه انسان با خدا، (2) رابطه انسان با خود و (3) رابطه انسان با انسان ها و مخلوقات دیگر. اگر هرکدام از این

دسته‌ها بر مبنای آموزه‌های دینی، قرآنی و اقتضائات ملی تعریف شوند، می‌توانیم به تعریف مشخصتری از سبک زندگی اسلامی - ایرانی برسیم.

شاخص‌ها و عناصر شکل‌دهنده الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی

پس از ارائه مباحث کلی پیرامون سبک زندگی اسلامی، در زیر پنج مورد از شاخص‌ها و عناصر الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی استخراج می‌شود؛

شاخص اول؛ الگوی تغذیه

الگوی تغذیه برآمده از نوعی تفکر است. در هر بوم و آئینی، رویکردهای غالب در باب تغذیه یافت می‌شود که از آن به «سبک و فرهنگ تغذیه» یاد می‌شود؛ به عنوان مثال دین «یهود»، فرهنگ تغذیه ویژه‌ای دارد؛ مثلاً همراه گوشت، لبنیات خورده نمی‌شود. متدینان به آئین «بودایی» و «هندو» طبق آئین خودشان، سبک و فرهنگ تغذیه مخصوص دارند. این تفاوت برآمده از دین و مذهب و آئین و مکتب فکری، در تمام نقاط دنیا کم و بیش قابل رصد است. مسلمانان نیز به خاطر دین خودشان سبک و فرهنگ تغذیه خاصی دارند. مثلاً هدف نهایی از تغذیه صحیح، مهیّا شدن بستر لازم برای «طاعت و عبادت» است. چنانچه در کتاب «حفظ الصحّه» آمده است؛ «اما انتفاع نفس از حفظ الصحّه آن است که نفس ممکن نیست استکمال او مگر بعد از سلامتی بدن، زیرا مبتلا به امراض و علل فارغ نیست از جهت تکمیل معارف و اخلاق حسنه و تحصیل علوم، وظایف اعمال و عبادات، بالجمله کل این اعمال موقوف بر صحت بدن و سلامت حواس و مدارک و قواست و صحت این موقوف به رعایت قوانین و تدبیرات حفظ صحت است. در حالت صحت و در صورت انحراف از صحت موقوف به معالجه است». (به نقل از سوره اندیشه، 1391: 77) به طور خلاصه «سبک و فرهنگ تغذیه اسلامی» در دو محور زیر خلاصه می‌شود؛

1- توجه به حلال بودن غذا؛ مسأله غذای حلال و تأثیر آن بر معنویت و نسل انسان در معارف اسلامی بسیار مهم است. در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که مسلمانان را به کسب رزق حلال و استفاده از رزق حلال تشویق می‌کند. آنچه مهم است، این است که بر خلاف تلقی رایج ما که غذا را امری مجزاً و حلال و حرام بودن آن را خصوصیتی مجزاً می‌دانیم، حلال و حرام بودن غذا مجزاً از واقعیت نیست.

در روایات متعددی از تداعی با غذا و داروی حرام نهی شده است. چون در حرام «شفا» نیست، گرچه دوا باشد. شفا یک مرتبه بالاتر از دواست. در شفا، درمان بیماری روحی است، اما در دوا نیست؛ در این موضوع «رسول اکرم (ص)» می‌فرمایند: «هرکس به حرام درمان جوید، خدا در آن شفا قرار نمی‌دهد». «امام صادق (ع)» نیز فرمودند: «در هیچ حرامی شفا نیست». اما در سبک و فرهنگ تغذیه مدرن، غایت تغذیه، نه تدبیر بدن در راستای حفظ سلامتی و سپس متخلّق به اخلاق فاضله شدن، بلکه «لذّت محض» است. در این نوع تغذیه، امیال نفسانی و لذّت‌گرایی، نوع تغذیه و اصول آن را تعیین می‌کند. در حالیکه در فرهنگ دینی، نیاز بدن و اقتضای طبیعت در راستای تأمین قوه بدنی برای به کمال رسیدن نفس، ملاک تغذیه است. اما به نظر می‌رسد، آنچه در کشور ما می‌گذرد نشان از آن دارد که تعداد مواد غذایی که فاقد ارزش غذایی اند و فقط برای لذّت بردن تولید می‌شوند، به مراتب بیش از غذاهای مفید می‌باشند.

2- آداب خوردن و آشامیدن؛ با مراجعه به آیات قران و روایات اهل بیت، نکات قابل توجه فراوانی پیرامون فرهنگ تغذیه به چشم می‌خورد؛ آداب مربوط به قبل از سفره و آداب مربوط به بعد از سفره، لزوم شستن دست‌ها قبل و بعد از صرف غذا و ... (همان: 78)

شاخص دوم؛ الگوی کسب درآمد

نوع نگاه به «رزق و روزی» و «کسب درآمد»، یکی از شاخص‌های فرهنگی نظام اقتصادی اسلام است. مؤلفه فرهنگی بسیار مهم در این زمینه عبارت است از؛ «نگاه توحیدی به رزق و کسب درآمد». در فرهنگ اقتصادی اسلام، هر مسلمان خداوند متعال را عامل اصلی اعطاء رزق می‌داند. از اینرو قواعدی که او برای رزق برمی‌شمرد را معتبر می‌داند. برخی از این قواعد مربوط می‌شود به تعریف عواملی که موجب ازدیاد و یا کمبود رزق می‌گردند. برای مثال، در دین مبین اسلام تأکید شده که کارهای خیری از قبیل «انفاق»، «پرداخت خمس و زکات»، «شکر نعمات الهی»، «محبت به پدر و مادر» و غیره، موجب ازدیاد رزق می‌شود و کارهایی از قبیل «اسراف»، «کفران نعمت» و «انجام گناهان مختلف» موجب بروز فقر و کاهش رزق انسان می‌گردند. این نوع نگاه به رزق ثمرات بسیار زیادی دارد؛ از جمله اینکه این نگاه موجب می‌شود مشوّق‌های دنیوی نیز برای انجام خیر و ترک افعال ناپسند وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، از آنجا که حجم عظیمی از فعالیت‌های

زندگی انسان فعالیت های اقتصادی است و به انگیزه کسب روزی انجام می شود، هنگامی که فرد در طی انجام فعالیت ها، خداوند متعال را عامل اصلی کسب درآمد و روزی بداند و در هنگام انجام فعالیت خود، روزی را از او طلب نماید، بخش عظیمی از ساعات زندگی فرد به یاد خدا و طلب روزی از وی سپری می شود. توجه به خداوند متعال و و طلب از او که از مختصات «فرهنگ توحیدی» است، موجب تعالی روحی انسان شده و مراتب معنوی انسان را به حقیقت توحید نزدیکتر می نماید. از اینرو در این شرایط باید گفت که فعالیت های اقتصادی که در این شرایط فرهنگی انجام شوند نیز می توانند در خدمت تعالی معنوی فرد و جامعه قرار گیرند. در این صورت فرد در طی انجام فعالیت های اقتصادی خود برای کسب منفعت و درآمد بیشتر دست به کارهای ناشایست نمی زند.

یکی از موضوعات اصلی «فقه» آن است که از نظر دین مبین اسلام، چه درآمدهایی مجاز و حلال و مشروع شمرده می شود و چه درآمدهایی نامشروع و حرام شمرده می شوند. اسلام قواعدی را برای انجام رفتارهای اقتصادی تعیین کرده که متضمن رعایت حقوق افراد اجتماع باشد. رعایت این قواعد شرط لازم صحت درآمدهاست. برای مثال، شفاف بودن دو کالای مورد مبادله و یا شرایط قرارداد، عدم ایراد ضرر به فرد دیگر و یا اجتماع، عدم اشتغال به کارهای لهو و بیهوده، نخوردن اموال سایرین به باطل و غیره، شرایطی است که باید در ضمن کسب درآمد رعایت شود. یکی از ضوابط مهم حلال بودن درآمد آن است که فعالیت اقتصادی که منجر به کسب درآمد می شود، در خدمت کفر و شیطان و ضربه زدن به دین و معنویات قرار نگیرد. برای مثال، خرید و فروش آلات موسیقی و قمار و یا خرید و فروش شراب و یا خرید و فروش مواد اولیه ای که دو طرف می دانند که در این راه ها به کار گرفته می شود، حرام است. به عبارت دیگر، هر نوع فعالیتی که یاری رساندن به گناه و فساد و کفر و مبارزه با حق محسوب شود، حرام است. ضابطه دیگر در کسب درآمد آن است که فعالیت اقتصادی مسلمین نباید باعث ایجاد تسلط کافرین بر آنان گردد. مثلاً فعالیت های اقتصادی که موجب وابستگی اقتصادی مسلمین به کفار می شود. یا اینکه موجب قدرت گرفتن آنها و تسلط شان بر مسلمین می شود، نامشروع است. بنابراین، اسلام ترتیبی اندیشیده است که افراد به انگیزش های الهی از قبیل جهاد اقتصادی برای تأمین روزی خانواده و یا تأمین احتیاجات مملکت اسلامی به کسب درآمد اقدام نمایند و انگیزش آنان

در کسب درآمد، رنگ و بوی الهی و توحیدی داشته باشد. در این صورت فعالیت اقتصادی موجب تعالی روحی فرد می‌گردد.

شاخص سوم؛ الگوی مصرف

در یک نگاه کلی به نظریه‌های مصرف و سبک زندگی می‌توان گفت این نظریه‌ها، فرهنگ و به‌خصوص حوزه‌ی نگرش‌ها و ارزش‌ها را به عوامل اقتصادی پیوند زده و برای پیش‌بینی یا جهت‌دهی به رفتار مصرفی افراد جامعه شکل گرفته‌اند. بدیهی است در فرهنگی که عناصر دینی حضوری ملموس دارند، بتوان در جستجوی تأثیر این عناصر بر الگوی رفتار مصرفی یا همان سبک زندگی افراد بود. مثلاً مطالعه تأثیر دین در شکل‌دهی یا محدودسازی تقاضاها و ترجیحات افراد. علی‌رغم اینکه، اقتصاد بر سه پایه «تولید»، «توزیع» و «مصرف» استوار است، اما در حقیقت تولید و توزیع، وسائل و ابزاری برای تأمین مصرف می‌باشند و هدف غائی همه تلاشها و کوششهای اقتصادی افراد، مصرف است. به عبارت دیگر، هر کس در آمدی کسب می‌کند و یا سرمایه‌ای می‌اندوزد، بدین هدف می‌باشد که سطح مصرف کنونی یا آینده خود و یا دیگران را بالا ببرد. و سرانجام مصرف خود نیز، به انگیزه ارضاء تمایلات و اشباع نیازهای جسمی و روانی انسان تحقق می‌پذیرد. تحقیق پیرامون پیدایش این تمایلات و شکل‌گیری چنین نیازهایی به عهده علوم مختلف طبیعی و انسانی است. و آنچه مربوط به مباحث اقتصادی می‌شود و به طور معمول مورد نظر دانشمندان این علم است تبیین کردارهای مصرفی افراد جامعه می‌باشد. صاحب نظران علم اقتصاد می‌خواهند بدانند، چگونه یک مصرف‌کننده مطلوبیت‌های مختلف و خواست‌های متفاوت خود را ارضاء می‌کند؟ و چه قواعدی بر انتخاب‌ها و رجحان‌های او حاکم است؟ همچنین تمایل به مصرف و تمایل به پس‌انداز افراد به چه میزان است؟ و در تحت چه شرائطی تغییر می‌یابد؟

برای رسیدن به مقاصد فوق، ناچار از شناختن انگیزه‌های حاکم بر افراد و سائر امور هدایت‌گر و تنظیم‌کننده مصرف می‌باشند و در این جا است که پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه نظریه‌ها، نسبت به جوامع مختلف با ایدئولوژیها و تربیت‌های گوناگون متفاوت می‌شود. به عبارت دیگر، انسان مفروض سرمایه‌داری، موجودی متفرد و خود‌خواه است که با دست‌یابی به سهم خود از درآمد ملی، هیچ انگیزه اساسی جز لذت‌طلبی و خود‌خواهی

نمی‌تواند در کیفیت مصرف او دخیل باشد. او نظر به خویش دارد و رفاه و لذت خود را معیار همه چیز می‌شمارد. تا قبل از دوران شکوفایی صنعت و تکنولوژی، به علت عدم تأمین مایحتاج اولیه انسان ها، راه کسب درآمد برای مردم مشخص بود. ولی امروزه به علت ارتقاء تکنولوژی و تأمین اکثر مایحتاج اولیه انسان ها، یکی از سئوالات اساسی برای افرادی که به دنبال کسب درآمد می باشند این است که به دنبال تولید چه کالاها و خدماتی باید رفت تا بتوان همچنان بر منافع اقتصادی افزود؟ اشباع شدن نیازهای اولیه انسان ها موجب آن شد که برخی از دست اندرکاران کسب و کار برای افزودن بر حجم اقتصاد، به دنبال ایجاد نیازهای جدید برآیند و با فرهنگ سازی مصرف بیشتر، زمینه را برای ایجاد مشاغل و درآمدهای بیشتر فراهم آورند. این مسأله موجب آن گردید که خود به خود سبک زندگی مصرفانه رایج شود و این مسأله به فرهنگ جامعه بشری ضربه های فراوانی وارد آورد. به طور کلی، هدایت و کنترل مصرف به طریق ذیل ممکن می شود؛

- 1- از طریق انگیزه های مثبت که انسان را به سوی مصارف مخصوص یا اشکال خاص از مصرف هدایت می کند.
 - 2- از طریق انگیزه های منفی که بازدارنده انسان از بعضی مصارف یا اشکالی خاص از مصرف می باشد.
 - 3- با کمک دستورهای مثبت و مستقیم قانونی که انسان را وادار به بعضی مصارف یا اشکال خاصی از آن می نماید. نظیر اجبار به استفاده از آب لوله کشی شهر برای حفظ بهداشت یا اجبار به سکونت در محله های مشخص.
 - 4- بوسیله محدودیت های مستقیم قانونی که انسان را از بعضی مصارف یا اشکالی از آن منع می کند. از قبیل استفاده از داروهای مخدر.
 - 5- با روش استفاده از محدودیت های غیرمستقیم قانونی که با جلوگیری از تولید اشیاء، دیگر زمینه ای برای مصرف باقی نمی گذارد.
 - 6- توسط محدودیت های درآمدی؛ چون انسان مجبور است، سطح مصرف خود را با سطحی از درآمد ملی که به او تعلق می گیرد تطبیق دهد.
- به نظر می رسد، در نظام سرمایه داری از این اهرم های ششگانه هدایت و کنترل مصرف، به شکل تأثیرگذار فقط محدودیت درآمد، دارای نقش اساسی است. زیرا نظام سرمایه داری ترغیب یا تحدیدی نسبت به تولید و مصرف نمی باشد و به ناچار طبق روش

توزیعی که ارائه می‌دهد و سهم هر یک از عوامل تولید را در روند تولید تعیین می‌نماید، می‌تواند در مصرف دخالت کند. بدین جهت است که وقتی بر اثر تقسیم غیر عادلانه درآمد ملی و کمبود تقاضا و مصرف اقتصاد سرمایه داری دچار رکود و ورشکستگی می‌شود، داروی شفابخش این بیماری و نجات دهنده این محتضر را، بالا بردن تقاضا و مصرف از طریق افزایش امکانات مصرف کنندگان و از طریق سیاست‌های پولی و مالی می‌دانند.

در نظام سوسیالیستی و کمونیستی به دلیل متمرکز بودن برنامه ریزی، امکان استفاده از اهرم‌های غیر انگیزه‌ای وجود دارد، اما به واسطه عدم کارایی و نقصان تولید، عملاً از اهرم‌های منفی استفاده می‌شود. زیرا نظام، حتی توانایی پاسخگویی به نیازهای پذیرفته شده از جانب خود را نیز ندارد. و به جای آنکه از اهرم‌های منفی مصرف در جهت کنترل مصارف مضر به فرد یا جامعه استفاده نماید، آن را وسیله‌ای برای تثبیت نظام و سرکوبی نیازهای مشروع مردم قرار می‌دهد. اما در مکتب اسلام، همه اهرم‌های ششگانه هدایت و کنترل مصرف وجود دارد. به دلیل اینکه، بحث از اهرم‌های پنجم و ششم، بیشتر مربوط به مباحث تولید و توزیع می‌باشد، در این جا سایر اهرم‌های هدایت و کنترل مصرف توضیح داده می‌شوند؛

انگیزه‌های مصرف

۱- انگیزه‌های مثبت

اسلام سعی بر آن دارد که انسان را به گونه‌ای تربیت کند که تمام رفتار و افکارش، او را به هدف نهائی و قرب الهی نزدیک گرداند، مسأله مصرف نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بنابراین از دیدگاه اسلام، مطلوب آن است که انگیزه غائی مصرف نیز در رابطه با رضایت خداوند و قرب الهی تحقق پذیرد و انگیزه‌های متوسط به جای هدف غائی قرار نگیرد؛ «رسول اکرم» صلی الله علیه و آله و سلم به «ابوذر» می‌فرماید: «لیکن لک فی کل شیء نیه صالحه حتی فی النوم والا کل». یعنی، «برای تو در هر چیز نیت صالحی باشد حتی در خوابیدن و خوردن».

انگیزه‌های دیگری در طول این انگیزه نیز در اسلام راجح است، همچون مصرف برای حفظ آبرو. البته با وجود این، مصرف فقط به انگیزه رفع نیازهای مادی نیز تحریم نگردیده است.

2- انگیزه های منفی

انسان اگر مصرف چیزی را به انگیزه تبختر و تفاخر بر دیگران انجام دهد مذموم است. چنانکه از «امیرالمؤمنین علی علیه السلام» در ذیل آیه: «تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض و لا فساداً». یعنی، «آن منزل آخرت برای کسانی است که اراده برتری و فساد در زمین نمی‌کنند»، سخن زیر صادر می‌شود؛ «ان الرجل ليعجبه ان يكون شراك نعله اجود من شراك نعل صاحبه فيدخل تحتها». یعنی، «همانا فردی را خوش می‌آید که بند کفشش بهتر از بند کفش دوستش باشد، پس بدین جهت مصداق آیه فوق می‌شود». بنابراین، احادیث و روایات متعددی در تقبیح و مذمت انواع مصارف که به انگیزه تبختر و تفاخر، تحقق می‌پذیرد آمده است.

هدایتها و کنترل های قانونی

دستورات اثباتی که به شکل وجوب یا استحباب، لزوم و یا رجحان بعضی مصارف یا اشکالی از آن را بیان می‌نماید؛

الف - مصارف لازم

- 1- مقدار مصرفی که حیات انسان بدان وابسته می‌باشد، و در صورت نبود آن مقدار، ترس از آن است که انسان هلاک شود، واجب است بلکه به نظر بعضی از فقهاء اگر به واسطه عدم مصرف، نقص و ضرر بزرگی به انسان وارد شود که معمولاً تحمل نمی‌شود، تحفظ از آن واجب است. مرحوم «صاحب جواهر» درباره شخصی که در تنگنا قرار گرفته و چنان در حالت اضطرار به سر می‌برد که غیر از میته (مردار)، برای حفظ جان خود وسیله دیگری ندارد، می‌فرماید: «لو اراد التنزه و الحال حاله خوف التلف للنفس بل او الضرر الذی لا يتحمل عليها لم يجز ذلك». یعنی، «در حال ترس از تلف جان یا وارد شدن ضرر غیر قابل تحمل، خودداری از مصرف جایز نیست».
- 2- مصارفی که مربوط به افراد تحت تکفل انسان است نیز واجب می‌باشد که مقدار آن، نسبت به اوضاع و شرائط متغیر است و انسان باید نیازهای زندگی زن و همچنین فرزندان و پدر و مادر خود را در صورت عدم توانایی، با رعایت شرائط جغرافیائی و اجتماعی تأمین نماید.
- 3- تغذیه حیوانی که انسان آن را مالک است نیز واجب می‌باشد.

ب- مصارف راجح یا شایسته

بطوریکه از بعضی روایات می‌توان استفاده نمود، اساساً استفاده از نعم الهی با رعایت شرائط و ضوابط آن، از نظر شرع پسندیده و محبوب است؛ از «امام صادق» (ع) روایت شده است: «ان الله جمیل و یحب الجمال و یحب ان یری اثر نعمته علی عبده». یعنی، «خداوند جمیل است و زیبایی را دوست می‌دارد. و دوست دارد اثر نعمت او بر عبدش دیده شود». و همچنین در نامه «امیر المؤمنین علی» (ع) به «حارث همدانی» یکی از اصحاب خود آمده است: «... و لیر علیک اثر ما انعم الله به علیک...». یعنی، «... اثر آنچه خداوند، بدان نعمت به تو داده است بر تو دیده شود...»

همچنین اگر «انفاق، صدقه و هدیه» را مصداقی از مصرف بدانیم، محبوبیت و رجحان آن از نظر شرع کاملاً واضح است. البته در تمام این موارد باید مسأله اعتدال و میانه روی را نیز در نظر گرفت. خداوند متعال در ضمن برشمردن صفات مؤمنین چنین می‌فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً». یعنی، «کسانی که هنگام صرف مخارج نه اسراف می‌کنند و نه تنگدستی (بلکه) انفاق و مخارج آنان معتدل و میانه است». بنابراین، با مباحثی که در محدودیت‌های مصرف خواهد آمد، معنای اعتدال روشن تر خواهد شد و همین توصیه به قوام و اعتدال در انفاق که نسبت به شرائط متفاوت و مقتضیات مختلف متغیر است، می‌تواند همیشه نسبت لازم بین مصرف و پس انداز را جهت پویایی اقتصاد تضمین نماید.

دستوراتی که بعضی از انواع مصارف یا اشکالی از آن را به عنوان «مصارف حرام» منع می‌کند و به عنوان محدودیت‌های مصرف شناخته می‌شوند؛ در اسلام مصارف زیادی تحت عناوین مختلف حرام شمرده شده است که باید به کتب فقهی مراجعه نمود. به عنوان مثال، استفاده از اشیائی که موجب هلاکت یا تضرر انسان می‌شود حرام است. خداوند متعال می‌فرماید: «ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة». یعنی، «خود را به دست خویش به مهلکه میندازید». (مدرسی، 1363: 56)

و نیز در کتاب «تحریر الوسیله» امام خمینی (ره) چنین آمده است: «یحرم تناول کل ما یضر بالبدن سواء کان موجبا للهلاک، کشرب السموم القاتلة و شرب الحامل ما یوجب سقوط الجنین، او سببا لانحراف المزاج او لتعطیل بعض الحواس الظاهرة او الباطنة او لفقد بعض القوى...». یعنی، «تناول آنچه مضر به بدن است حرام می‌باشد، چه موجب هلاکت

شود، همچون نوشیدن سم های کشنده و نوشیدن زن حامله چیزی را که باعث سقط جنین شود، یا موجب از دست رفتن سلامت و اعتدال مزاج گردد، یا آنکه موجب از کار افتادن بعضی حواس ظاهری یا باطنی و فقدان نیروئی از نیرو های انسانی گردد». (امام خمینی، 1385: 212)

شاخص چهارم: داشتن پوشش ساده و دینی در جامعه

یکی از مهم ترین الگوی سبک و شیوه زندگی به نوع پوشش اعضای جامعه بر می گردد. داشتن پوشش ساده برای مردان و حجاب و پوشش شرعی مناسب برای زنان بسیار مهم می باشد. به عبارت دیگر، «ساده زیستی» یکی از وجوه و شاخص های مهم سبک زندگی اسلامی - ایرانی می باشد. یعنی، در امور معیشتی، فرهنگی و حتی نوع پوشش و رفتار اجتماعی ساده زیست باشیم. همانگونه که در سیره ائمه معصومین از جمله حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) شاهد ساده زیستی هستیم. بنابراین، لازم است هر کدام از افراد جامعه در هر یک از شئون اجتماعی، به ساده زیستی به عنوان یک فرهنگ و الگوی اسلامی عمل کنند.

شاخص پنجم: روابط اجتماعی و تعامل انسان با دیگران

یکی از مهمترین ابعاد سبک و فرهنگ زندگی اسلامی «روابط اجتماعی» است که می توان این ارزش را در «خانواده مداری، احترام به پدر و مادر، صلح رحم و دستگیری از هموعان و محرومان، ارتباط مناسب با همسایگان، عیادت از بیماران و دستگیری از سالخوردگان، مهمان نوازی، حفظ ارتباط خویشاوندی و فامیلی از طریق بازدیدها و مهمانی ها و ...» دنبال کرد. در همین زمینه، حضرت آیت الله «عبد الله جوادی آملی»، عنوان بخش دوم کتاب «مفاتیح الحیاه» خود را به «تعامل انسان با هموعان» اختصاص می دهد. ایشان در این بخش به تفصیل، فصول ششگانه ای را از آیات و روایات فهرست می نمایند که به تعامل انسان با «خویشاوندان، مسلمانان، بیگانگان، مستضعفان، دشمنان و شهروندان» اختصاص دارد. (جوادی آملی، 1391)

نتیجه‌گیری؛ تبیین کلی وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر تا به حال هر آنچه در بالا آمد، توصیفی از وضعیت و تحولات سبک زندگی بوده است. اما اگر بخواهیم تبیین و تحلیل کلی از این وضعیت بدهیم، آوردن توضیحات زیر ضروری است؛ از عوامل تبیین کننده وضعیت و تحولات سبک زندگی در ایران، می‌توان هم به عوامل «نهادی و ساختاری» اشاره کرد و هم به عوامل «شناختی و فردی». در عوامل نهادی و ساختاری، «توسعه شتابان»، «غلبه تصور تکنولوژی خنثی» و «عدم شفافیت در اسناد بالادستی و اجرایی نبودن آنها» از عوامل و شاخص‌های اصلی می‌باشند. به عبارت دیگر، در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، توسعه شتابان از نوع اقتصادی بر کشور تحمیل شده است. این نوع توسعه، پیامدهای زیادی را به ارمغان آورده است؛ به عنوان مثال، گسترش نوعی «ارتزاق نرم و هنری» که افراد از استعدادها و کلیه اعضای بدن برای ارتزاق استفاده می‌کنند (خطاطی، خوانندگی، رقص و ...). اما در کنار این امر، «لذت‌گرایی و سود انگاری افسارگسیخته»، باعث شکل‌گیری نوعی «ارتزاق پست» (حرام خواری عامدانه) شده است. یعنی، سودآوری یا پول دار شدن سریع به واسطه دروغ، ارتشاء، حقه و غش در معامله که مصداق «پول حرام» است. سبک‌های زندگی وابسته به تکنولوژی نیز محصول غلبه تصور تکنولوژی خنثی می‌باشد. به عنوان مثال، ورود تلفن همراه، اینترنت و ماهواره، انقلابی در زندگی ایجاد کرده‌اند. بنابراین، در مصرف تکنولوژی باید احتیاط، دقت و تناسب لازم رعایت شود.

و نهایتاً اینکه، تناسب لازم میان خدمات اجتماعی و رفاهی با نیازمندی‌های اصلی جامعه وجود ندارد. یعنی، به خاطر اتخاذ سیاست‌گذاری‌های نامناسب به حال جامعه، از یک طرف، مثلاً در زمینه تحصیلات دانشگاهی رشد بسیار خوبی داشته‌ایم. اما از طرف دیگر، به خاطر عدم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری درست، هر سال بر تعداد بیکارها، آن هم از نوع تحصیل کرده‌اش، افزوده می‌شود.

در زمینه عوامل شناختی و فردی نیز، «تغییرات در آگاهی‌های فردی» و «غلبه تصور عمر کوتاه یا جبر مرگ» از شاخص‌های اصلی می‌باشند. تقریباً در تمامی تحقیقات فوق‌الذکر، «سرمایه فرهنگی» افراد، مهمتر از عوامل اقتصادی بر سبک زندگی تأثیرگذار بوده است. پس در آگاهی‌های افراد جامعه رشد و تغییر مشاهده می‌شود. دیگر اینکه، بر اساس یافته‌ها، این نتیجه حاصل شد که، عمر کوتاه شد چون نیازها و آرزوها بزرگ و زیاد شد.

یعنی، شکافی بین دو نسل قدیم و جدید ایجاد شده است؛ در نسل قدیم، نگاه درویشی و عرفانی بر زندگی غالب بود و «تولیدگری» و «قناعت پیشگی» صفات غالب بود. اما در نسل اخیر و جدید، «مصرف گرایی»، «لذت خواهی» و «خودمحوری» از مشخصه‌های برتر می‌باشند. یعنی در نگاه این نسل، عمر انسان کوتاه می‌باشد و در این عمر کوتاه، بیشترین لذت را بایستی بهره مند شد. نتیجه اینکه، رهایی از قید و بندهایی مثل خانواده و دین توجیه می‌شود.

به طور کلی در یک نتیجه‌گیری مقایسه‌ای اجمالی، بر اساس یافته‌ها، وضعیت و تحولات سبک زندگی در ایران بر اساس الگوی سبک زندگی غربی نمی‌باشد. چون علی‌رغم اینکه، در پوشش و مد تشابه به سبک زندگی غربی می‌شود، اما در الگوهای خرید و مصرف، شکل و الگوی متفاوتی را نشان می‌دهد. البته این شکل و الگوی متفاوت نه تنها از الگوی سبک زندگی غربی متفاوت است، بلکه از الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی خودمان نیز متفاوت شده است. و در یک وضعیت مبهم و نامعلوم قرار گرفته که زاینده بحران‌های مختلف می‌باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (1386)، **الگوهای سبک زندگی در ایران**، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- آزاد ارمکی، تقی و وحید شال چی (1384)، **دو جهان ایرانی؛ مسجد و کافی شاپ**، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال اول، شماره 4.
- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (1381)، **از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی**، مجله **نامه علوم اجتماعی**، شماره 30، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ابوالحسن تنهایی، حسین و شمسی خرمی (1388)، **بررسی رابطه جامعه شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن**، مطالعه موردی کرمانشاه، **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، صص 41 - 19.
- اینگلهارت، رونالد (1373)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- باکاک، رابرت (1381)، **مصرف**، ترجمه خسرو صبری، تهران: شیرازه.

- بحرانی، شعله و دیگران (1390)، مقایسه جنسیتی رابطه رسانه‌ها، هویت و سبک زندگی در بین جوانان شیراز، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 12.
- بوردیو، پیر (1380)، نظریه کنش؛ دلایل عمل و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپناه، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پیر (1390)، تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- پاک سرشت، سلیمان (1385)، مصرف اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان تهرانی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال دوم، شماره 5.
- پرستش، شهرام و دیگران (1385)، بررسی رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در میان تولید ادبی ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره 7، صص 41 – 19.
- پورغلام، زهرا (1386)، سبک‌های زندگی یا رفتارهای خرده فرهنگ در بین دختران نوجوان، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- تامپسون، جان (1378)، ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- چاوشیان، حسن (1381)، سبک زندگی و هویت اجتماعی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (1391)، مفاتیح الحیاه، قم: انتشارات اسراء، چاپ پنجاه و هفتم.
- حمیدی، نفیسه و مهدی فرجی (1387)، سبک زندگی و پوشش زنان در تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره یک، صص 92 – 65.
- خادمیان، طلیمه (1388)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات جهان کتاب.
- ذکایی، محمد سعید (1386)، تحول الگوهای سبک زندگی جوانان در ایران، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رحمت آبادی، الهام (1386)، سبک زندگی؛ شالوده هویت اجتماعی در مدرنیته متأخر، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

زیمل، جورج (1372)، کلان شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره 3، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
سایت تابناک (1391)، سخنرانی رهبر معظم انقلاب در سفر به خراسان شمالی، اواخر مهر ماه.

سعیدی، علی اصغر (1386)، اوقات فراغت، سایت اینترنتی.
سعیدی، علی اصغر (1382)، جامعه مصرفی و جوانان، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره 5.
سوره اندیشه (1391)، سبک زندگی، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه، شماره های 60 و 61.

شفیعی، سمیه (1386)، مطالعات جنسیتی و اوقات فراغت؛ به سوی تبیین سبک زندگی، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

شهبابی، محمود (1386)، سبک های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

شهبابی، محمود (1382)، جهانی شدن جوانی؛ خرده فرهنگ های جوانان در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره 5.

شهبابی، محمود (1380)، خرده فرهنگ های ویژه جوانان در ایران: قرائت ها و پیامدها، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، شماره 4.

صمیم، رضا (1392)، پیمایشی پیرامون مصرف موسیقی مردم پسند در تهران، پژوهشی منتشر نشده.

فاضلی، محمد (1382)، مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
فاضلی، محمد (1381)، مصرف و سبک زندگی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فاضلی، نعمت الله (1386)، تحوّل سبک زندگی روستایی در ایران، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کیقبادی، علیرضا (1388)، بررسی میزان گرایش به مصرف تجملی و راه کارهای رسانه‌ای برای کاهش آن، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

- گیدنز، آنتونی (1380)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (1378)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موققیان، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (1383)، حلیه المتقین، قم: انتشارات ارمغان طویی.
- محمدی، عقیده (1386)، رابطه سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دونسل مادران و دختران، از کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مدرسی، محمدرضا (1363)، ترسیمی از مصرف در اسلام، مجله نور علم، شماره 4.
- مهدوی کنی، محمدسعید (1387)، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی کنی، محمدسعید (1386)، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره اول، صفحات 230 – 199.
- مهدوی نژاد، محمدجواد (1388)، تهران و سبک زندگی شهری، به سفارش مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران: موسسه نشر شهر.
- مهدوی نژاد، محمدجواد (1388)، سبک زندگی پایدار، به سفارش مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران: موسسه نشر شهر.
- لش، اسکات (1379)، پست مدرنیسم یا مدرنیسم، ترجمه فاطمه گیوه چیان، از کتاب در منطق فرهنگی سرمایه داری متأخر، جمعی از نویسندگان، ترجمه محمد گیوه چیان، تهران: نشر هرمس.
- وبلن، تورستین (1383)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- هندری، ال. بی و دیگران (1381)، اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان، ترجمه مرتضی ملّا نظر و فرامرز ککولی دزفولی، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

- Bennett, Andy and Kahn-Harris, Keith (2004) **after subculture: critical studies in contemporary youth culture**, uk: palgrave macmillan.
- Bourdieu, P (1984) **Distinction: A social critique of the judgment of taste**, trans. R. Nice. Cambridge, MA: Harvard university press.
- Chaney, D (2004) **Fragmented cultures and subcultures**, UK: Palgrave Macmillan.
- Chaney, D (1996) **Life Styles**, London: Sage.

- Douglas, M and Isherwood, B (1996) **The world of goods: Towards an Anthropology of consumption**, London: Routledge.
- Ingelhart, R (2000) **Modernization and social change ...** ASR. Vol, 65 Feb. pp 19-52.
- Ingelhart, R (2000) Modernization change, and the persistence of traditional values, in **American sociological Review**. Vol 65. Feb.
- Giddens, A (1991) **Modernity and self-Identity, self and society in a latemodern age**, Oxford: polity press.
- Reimer, B (1995) **Youth and modern life styles**, in J. Foranas & G. Bolin (eds) youth culture in late modernity, London: sage.
- Roberts, K (1999) **Leisure in contemporary society**.
- Simon, T. w (2000) **Theorising class, health and life styles: can Bourdieu helpus?**
- Sobel, M. E (1981) Life style and social structure: concepts, definitions, analyses, academic press.
- Willet, C. W (2002) **Balancing life - style and genomics research for Diseaseprevention, science**, 26 April, vol 294. No 5568, pp 695-698.